

رشد اعتراضات توده‌ای در کردستان

ضعف و زبونی رژیم در بوابران!

رژیمده کرد ایجار نماید. برکس مزدوران صرکوسر رژیم در هر گجای کردستان که بجای نهاده اند، با روحیه و عزم استوار خلقی صمدیده کرد در دفاع از حقوق حقه خود، روبرو شده، از پیشبرد اهداف ارتجاعی خود بازمانده اند، و همیشه در همه در صفحه ۳

بایگاه در اقصی نقاط کردستان، و اختصاص بیشترین امکانات مالی و تسلیحاتی و انسانی اش جهت سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد، بعد از شش سال کشتار و جنایت و برانی در کردستان، هنوز هم نتوانسته است بجای پائی برای خود در کردستان بیابد و هیچگونه خللی در عزم و اراده خلق

رژیم جمهوری اسلامی تاکنون با انواع و اقسام وسائل تبلیغاتی خود، تلاش نموده است شکست سیاست‌های ارتجاعی خود در کردستان را پوشیده داشته، چنین تصور کند که توانسته است بر اراده خلل ناپذیر خلق کرد مهار بزند، اما برخلاف ادعاهای مسزوران رژیم علیه استقرار هزاران



پلنوم حزب دمکرات:

ادامه درگیری‌ها!

اواصل مهرماه دفتر سیاسی حزب دمکرات طی اعلامیه‌ای برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات را منتشر ساخت و ضمن آن رئیس سیاست‌های شخذه در این پلنوم را اعلام نمود.

اعلامیه دفتر سیاسی حزب دمکرات در توضیح مواضع شخذه در این پلنوم، ضمن تاکید بر این که درگیری‌های کنونی حزب دمکرات و کومه له "خدمت‌بزرگی به جمهوری اسلامی" است، باز هم با پافشاری بر پیش شرط اصلی حزب دمکرات برای قطع درگیری‌ها، عملاً مهر تاکید بر سیاست ادامه درگیری‌ها نهاد. در این اعلامیه یکبار دیگر گفته شده است که:

"اگر رهبران کومه له ... بپذیرند که حزب دمکرات یک حزب انقلابی است راه برای آتش‌بس و مذاکره و حتی برای همکاری هم هموار خواهد شد."

اگر چه پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات از دو شرط دیگر حزب دمکرات در این زمینه چشم پوشیده است و عملاً یک گام از مواضع قبلی حزب دمکرات در صفحه ۲

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش توده‌ای

صفحه ۱۲

اطلامیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

صفحه ۱۹

درگیری‌های حزب و کومه له چنگ ادامه‌دار سیاست؟

فرانس از یک سوی عوامل ثابت را ارائه نماید. کومه له در توضیح "شرایط و تحولات" به تکرانی حزب دمکرات از موقعیت خود در اشر "بسط نفوذ" کومه له اشاره کرده است. هر چند کومه له به پیچیده شدن شرایط جنبش خلق کرد "هم اشاره می‌کند، اما در توضیح همین پیچیدگی نیز تنها به ذکر "موخوردگی حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت" اضافه بر تکرانی او از کاهش نفوذ "خود بسنده می‌کند. و این همه به زعم کومه له درست در شرایطی اتفاق می افتد که در صفحه ۴

ما در بحث قبل پیرامون مواضع پلنوم کمیته مرکزی کومه له گفتیم که کومه له از یک سو اهداف، شعارها و خواسته‌های مطرح شده از جانب طرفین "که بر زمینه شرایط و تحولات سیاسی - اجتماعی معینی مطرح می‌شوند" بسته درگیری‌های کنونی حزب دمکرات و کومه له "مکان و معنای سیاسی ضمایری از درگیری‌های گذشته می‌دهند، اما از سوی دیگر کومه له نتوانسته است در توضیح این اهداف و شعارها و این "شرایط و تحولات" چیزی

نگاهی به

مبارزات توده‌ای در کردستان

(سه ماهه دوم سال ۶۴) صفحه ۸

پلنوم حزب دمکرات:

ادامه درگیری ها!

از صفحه ۱

عقب نشینی نموده است، ولی هنوز هم بر اصلی ترین شرط حزب دمکرات پافشاری نموده است که مفهوم آن چیزی جز پسر گرفتار تحلیل کومه له از حزب دمکرات و سیاست های آن نیست، امری که از همان نخستین روزهای درگیری پیش شرط اصلی حزب دمکرات برای پایان دادن به درگیریها بود.

در حقیقت حزب دمکرات با پافشاری مجدد بر این شرط خود یک بار دیگر راه را بر هر گونه آتش بس و اعاده وضعیت عادی در ضابطات فیطین دونیرو سدود ساخته است و زمینه را برای ادامه درگیری های زبانبار کنونی که ضربات جبران ناپذیری را تا کنون بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد آورده، بازگذاشته است. حزب دمکرات با تأکید بر چنین شرطی، حق آزادی بیان عقیده و آراء، حق استقلال فکری و نظری نیروهای سیاسی را جدا از درستی یا نادرستی این یا آن تحلیل، عملاً "مردود" کرده است، بی اعتقادی خود به این اصل دمکراتیک را آشکار ساخته است. از این رو مفهوم چنین شرطی آن است که هر نیروی - و نه تنها کومه له - که در مورد حزب دمکرات و سیاست های آن غیر از آنچه که حزب دمکرات فکر می کند و از خودش تحلیل دارد، فکر کند و تحلیل دهد، حزب دمکرات حق دارد - و این حق را با این شرط برای خودش محفوظ می دارد - که با آن نیرو وارد جنگ بشود. حزب دمکرات با چنین پیش شرطی برای آتش بس به خودش حق می دهد که از این یا آن نیرو بخواهد برای آن که از خصومت و دشمنی حزب دمکرات در امان باشد، تحلیل خودش را از حزب دمکرات پس بگیرد، برای آن که بتواند آزادانه در کردستان فعالیت کند و از تهدیدات حزب دمکرات در امان باشد، باید حزب دمکرات را انقلابی بداند. سلم است از چنین موضعی هیچگاه نمی توان به درگیری ها پایان داد. هیچگاه نمی توان به یک توافق اصولی بر سر اساسی ترین مسائل مربوط

به این درگیری ها دست یافت. استدلال حزب دمکرات در این زمینه هیچگاه نمی تواند مورد پذیرش هیچ نیروی واقعا انقلابی و دمکرات قرار گیرد. پذیرش چنین اصلی از سوی هر نیروی سیاسی یعنی پذیرش نهال روی از حزب دمکرات و تسلیم به سیاست های آن در کردستان. حزب دمکرات و یا هر نیروی دیگری در سطح جنبش، انقلابی بودن یا نبودن خود را قبل از آن که به زور اصلاحه به این یا آن نیرو دیکته کند، باید در عمل و در صارتزه رویاری یا ضد انقلاب، ثابت کند که تا چه حد انقلابی است و تا چه حد باید و از کدام سیاست مشخص و عملکرد معین آن بعنوان یک اقدام انقلابی دفاع کرد. حزب دمکرات با داعیه انقلابی بودن نمی تواند راه را برای ادامه بلا انقطاع درگیری های خونین کنونی باز نماید. درگیری هایی که مهم ترین دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد را بعینه لگدمال می کنند، علاوه بر قربانی کردن تعداد بیشماری از فرزندان خلق کرد تاثیرات سوء خود را بر روند رشد جنبش کنونی بر جای می گذارند. درگیری هایی که علیرغم اعتراض بخش وسیعی از توده های زحمتکش خلق کرد و کلیه نیروهای سیاسی همچنان ادامه دارند.

حزب دمکرات در توجیه سیاست خود برای ادامه درگیریها می گوید:

" چون همه مردم کردستان و تمامی سازمانهای ایرانی و کردستانی مدتهاست پذیرفته اند ... که حزب دمکرات یک حزب انقلابی است ... پایبند کومه له هم بپذیرد که "حزب دمکرات یک حزب انقلابی است".

حزب دمکرات با چنین استدلال بی پایه و اساسی، نه تنها از کومه له بلکه از هر نیروی ثالث دیگری می خواهد که درباره حزب دمکرات همانطور فکر کند که خود این حزب می کند، تا حزب دمکرات به جای جنگ با چنین نیروی با " همکاری " نماید. آیا حزب دمکرات فکر نمی کند که استدلال او در این زمینه چندان فرق اساسی با خواست هیچ نیروی سرکوبگری ندارد، اگر حزب دمکرات هم فکر می کند که دست شستن از انتقادات، تمکین در مقابل زورگویی و تحمیل جنگ و درگیری و مجیزگویی از این یا آن نیرو و

انتخاب چنین سیاست تسلیم طلبانه ای یک اصل "انقلابی" است و خواست نیروهای همچون خود او در این زمینه یک خواست دمکراتیک است، هیچ نیروی واقعا انقلابی نمی تواند و حق ندارد بر چنین بی برضی گردن بگذارد و چنین شیوه ای را در برخورد های خود با نیروهای سیاسی در پیش گیرد و دست بسته تسلیم تمایلات این یا آن نیرو شود. مگر رژیم جمهوری اسلامی در طول شش سال گذشته از نیروهای سیاسی و مردم کردستان چیزی بیشتر از این می خواسته و می خواهد. اگر با این تفکر و با این شیوه برخورد حزب دمکرات

یک حزب حاکم در کردستان بود با مخالفین خود چه می کرد؟ آیا غیر از این می کرد که امروز می کند، از نیروهای سیاسی نمی خواست که از سیاست های او تبعیت کنند؟ در غیر این صورت به قلع و قمع آنها دست نمی زد؟ اینگونه شرط و شروط قائل شدن برای پایان دادن به درگیری ها، فرق اساسی با " آزادی به شرط عدم توطئه " دارد؟

پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات، علاوه بر تأکید بر این شرط حزب دمکرات، در حقیقت برای ادامه درگیری ها با کومه له، به سیاست های ضد دمکراتیک این حزب در قبال سایر نیروهای سیاسی در کردستان نیز صحنه گذاشته است و با " درست و صحیح " ارزیابی کردن " موضع دفتر سیاسی در برابر سازمانهای آیزیمین " در واقع ادامه تهدیدات حزب دمکرات علیه نیروهای سیاسی مخالف سیاست های کنونی حزب دمکرات را، تأیید نموده است. یا به زبان خود حزب دمکرات ایجاد هرگونه سد و مانع عملی در مقابل فعالیت سیاسی - نظامی چنین نیروهایی را که " همکاری " حزب دمکرات محسوب نمی شوند، حاضر نیستند " رهبری " حزب دمکرات را بپذیرند، حاضر نیستند برای صارتزه با رژیم از حزب دمکرات " اجازه " بگیرند، " درست و صحیح " تشخیص داده است. پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات با تأیید سیاستهای دفتر سیاسی حزب دمکرات در واقع بر این امر صحنه گذاشته است که حزب دمکرات به خودش حق می دهد که طبق گفتار صریح رادیویی خود، با نیروهای سیاسی مخالف و یا غیر " همکاری " خود، در صفحه ۷

وئد اعتراضات توده‌ای در

از صفحه ۱

حال آماج گلوله های فرزند ان قهرمان خلق کرد بوده اند. از این روست که هر پایگاه رژیم در کردستان که استقرار ان تنها با هلاکت دهها و صدها مزدور امکانپذیر گشته است به زندانی برای سرکومگران خلق کرد تبدیل شده است. زندانی که ساکنان و محنتزده ان تنها در پناه سیم های خاردار و میدان های صیغ مین در اطراف ان، قادر به ادامه حضور نکتبار خود در کردستان هستند.

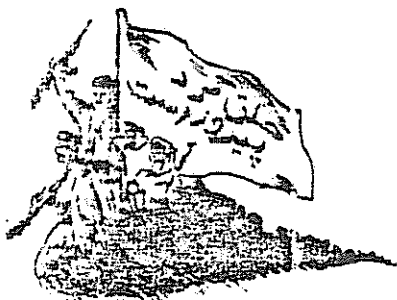
رژیم جمهوری اسلامی در چند سال اخیر علاوه بر تمامی سیاست های سرکومگرانه خود در کردستان، و تپ و خمپاره باران و یورش های بی دریغی به مناطق مختلف، سیاست های ارتجاعی متعددی را نیز در مواجهه با روحیات انقلابی توده ها و برای به زانو در آوردن آنها در پیش گرفته است که اهم آنها را تسلیح اجباری اهالی زحمتکش روستاهای مناطق مختلف کردستان و سرپازگیری اجباری جهت اعزام به جبهه های جنگ ارتجاعی تشکیل می دهد. این سیاست های ارتجاعی رژیم نیز تاکنون علیرغم تلاش بیش از حد رژیم و ادیت و آزار همه جانبه اهالی زحمتکس روستاهای کردستان، در عمل با شکست مواجه شده و اعتراضات وسیع توده ای را علیه رژیم پراکنخته اند. اعتراضاتی که در بسیاری موارد خشم فروخورده زحمتکشان روستاها را شعله ور ساخته، مزدوران رژیم را وادار به تسلیم در برابر روحیه تعرضی آنان نموده است. یکی از نمونه های برجسته این قهرمانی توده ها در ماههای گذشته حمله شجاعانه اهالی زحمتکش روستای گل تپه در منطقه دیواندره به پایگاه مزدوران رژیم و اقدام به خلع سلاح آنان بود. این حرست اعتراضی بدنال دستگیری تعدادی از اهالی روستای گل تپه جهت اعزام به جبهه های جنگ در روز ۱۱ شهریور ماه صورت گرفت.

که بدنیان این دستگیری مزدوران فردای آن روز نیز یعنی در روز ۱۲ شهریور ماه با محاصره روستا و تیراندازی به سوی آنها تلاش می کنند روحیه اعتراضی توده ها را منکوب نمایند، ولی اهالی زحمتکش روستا دست از اعتراض برنداشته جملگی اعم از زن و مرد و پسر و جوان در اطراف پایگاه جمع شده، خواستار آزادی دستگیرشدگان می شوند. مزدوران متعسر در پایگاه با مشاهده انحصار و یکپارچگی اهالی، برای در هم شکستن روحیه اعتراضی آنان دست به تیراندازی می زنند که ضمن آن یکی از اهالی زخمی می شود. این امر خشم اهالی را برمی انگیزد و آنها با خشم و کینه عمیق خود نسبت به مزدوران رژیم دست به تعرض زده و شروع به دادن شعار علیه آنها می کنند. زنان دلاور روستا در پیشاپیش اهالی با خشم و غضب انقلابی شان به طرف پایگاه حمله ور می شوند و با گذشتن از سیم های خاردار، علیرغم تیراندازی شدید مزدوران وحشت زده متعسر در پایگاه، به خلع سلاح آنان می پردازند. بخشی از اهالی نیز به دنبال این اقدام شجاعانه به آزاد ساختن دستگیرشدگان اقدام نموده، عملاً پایگاه را تحت کنترل خود در می آورند. در پی این اقدام شجاعانه مزدوران رژیم مجبور می شوند برای سرگرفتن سلاح ها، کسی که به دست اهالی افتاده بود، عقب نشینی نموده، اقرار به شکست خود کنند و از اهالی بخواهند که سلاح های آنها را پس بدهند. در مقابل آنها هم دیگر کسی را به سرپازی نمی برند.

این حرکت شجاعانه یک نمونه برجسته از موارد متعدد تعرض قهرمانانه مردم زحمتکش کردستان علیه اقدامات ارتجاعی و صیغانه مزدوران رژیم در کردستان است که هر روز در این یا آن گوشه این خطه خونین در جریان است و گوشه ای از آن روحیه رزنده ای است که بعد از بیش از شش سال مبارزه بی امان هر روز بیشتر از روز پیش بر تحقق اهداف خود پای می فشارد. سرتاسر کردستان امروز عرصه نبرد حماسی است که رژیم جمهوری اسلامی را با تمامی تجهیزات

ویرانگر و سرکومگرانه آن و با تمامی جنایات بی حد و حصرش، به شکست متفقحانه ای در لشکر گشی خود، به کردستان کشاننده است. نبردی که در تمامی ابعاد خود، کل یکپارچه ای را می سازد، اراده خلق را به نامیری گذارد، که نه کشت و کشتار و نه آذیت و آزار و نه تهدید و ارعاب و نه هیچ چیز دیگری قادر به مهار آن نیست و رشد روزافزون اعتراضات توده ای در سراسر کردستان و گسترش ابعاد آن، نشانه بارز این مبارزه و بیانگر قدرت و توان رزمی پایدار آن است.

جنبش انقلابی خلق کرد نه تنها در طول بیش از شش سال گذشته، بلکه در آینده نیز و در تمامی عرصه های نبرد کونی، بر زمینه چنین قدرت پایداری، هم چنان استوار و آهنین ایستادگی نموده و خواهد نمود. ستون اصلی مبارزه کونی را همین روحیه قدرتمند تعرضی توده ها، همین اراده خلک ناپذیر آنها تشکیل می دهد. اراده ای که تاکنون در برابر گلوله با خون سرخ خود، ارمان خود را بر صدر صفحه تاریخ مبارزات خلقهای ایران ثبت نموده است و با طنین پرخروش رگبار مسلسلای فرزندان پاکباخته خود این ارمان را بر سینه دهها هزار مزدور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حکه نموده است. اراده ای که هر لحظه حیات شرمناک گذشته خلق کرد را با حمله ای که نه، بلکه دهها حماسه پشت سر گذاشته است و افق های روشن فردا را با سیر پیونده و خونین نبردهای ساحشورانه امروز خود بازشوده است.



رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران است

در تیر و بار حزب و کومه له

محتاجان سیاست

از صفحه ۱

حزب دمکرات به زعم کومه له محتاج آن است که برای نزدیکی به این یا آن جناح بورژوازی و یا کشودن پای سازش با رژیم خود را "قدرت فائقه" در کردستان نشان دهد.

تمام مجموعه استدلال کومه له بیانگر آن است که در شرایط پیچیده مورد نظر کومه له: آن سرخوردگی و این نگرانی به نحوی مسأله اثبات فعال مایه" بودن را در دستور حزب دمکرات گذاشته است و در عین حال کومه له را نیز که رهبری و هدایت جنبش انقلابی خلق کرد را "وظیفه خطیر خود می داند، در تداوم نقش بازدارندگی در مقابله با سیاستهای حزب دمکرات وارد کرده است که تقابل نظامی با حزب دمکرات را بعنوان تنها راه انقلابی در دستور بگذارد.

ولی سرخلان تفکر ساده اندیشانه کومه له، در مورد انگیزه ها و اهداف حزب دمکرات و دلایل خود برای در دستور قرار دادن تقابل نظامی با حزب دمکرات بریسه این درگیریها و رمز تداوم آنها و همچنین تمایز موجود درگیریهای کنونی با درگیریهای گذشته را نمی توان با مقولات مورد اعتماد کومه له توضیح داد. به همین دلیل نیز کومه له نتوانسته است در صوبات پلنوم خود به ریشه یابی این درگیریها پرداخته، بر علل و عوامل تداوم این درگیریها و در نتیجه وجد تمایز اساسی آنها با درگیریهای گذشته انگشت بگذارد و درست به همین جهت نسبت به تنش بین بدن قید و شرط مورد نظر خود را نه از ضروریات عینی جنبش و الزامات آن، بلکه از انطباق کامل سیاستهای خود با مصالح جنبش و اقتقاد تام خود به این انطباق نتیجه گرفته است. همانطور که در ارائه راه حل نیز چندین گام به عقب گذاشته، طرح پیشنهادی سابق خود را تبدیل به شرط و شروطی کرده است که حزب دمکرات

در قبال آنها "تعهد" شود.

اگر مسأله گشایش باب سازش یا رژیم "علت وجودی درگیریهای کنونی است، چنین امری بر حیات سیاسی حزب دمکرات نمی تواند تا زکی داشته باشد و ندارد. حزب دمکرات چنین باسی را به لحاظ برنامه ای همیشه باز گذاشته است و مذاکره و مصالحه با رژیم را حزب دمکرات قبل از همه از محتوای برنامه خود نتیجه می گیرد. حزب دمکرات همیشه و در همه حال یک چیز را دنبال کرده است و می کند و آن رسیدن به خودمختاری مورد نظر خود با حداقل امتیازات ممکن در کردستان یعنی تحقق مسأله استناد از زبان ملی و برخی اصلاحات در مناسبات با دولت مرکزی بوده است. مضمون چنین برخوردی به اهداف جنبش خلق کرد آن خط سیری را تشکیل می دهد که از همان طرح شش ماده ای حزب دمکرات تا طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان را در بر می گیرد. حزب دمکرات در هر گونه مذاکره ای با رژیم نمی تواند ملما اهدافی بیش از مضمون طرح شورای ملی مقاومت را دنبال کند. مسأله طرح مذاکره با رژیم و سیاست حزب دمکرات در این زمینه، در ضمن چندان فرق اساسی یا سیاست دیروز او و اهداف و امالی که پیشروی خود قرار داده بود نمی تواند داشته باشد. مسأله اساسی در این زمینه آن است که حزب دمکرات با طرح مسأله مذاکره با رژیم، عملا در شرایط کنونی که جنبش انقلابی در سراسر ایران سرنگونی رژیم را در دستور خود دارد، یعنی در شرایطی که مشخصه اصلی آن را بحران انقلابی حاکم بر جامعه ایران تشکیل می دهد، توان سیاسی موجود را به نفع رژیم در هم می ریزد. اگر مسأله بر سر عدم درک این تیرازن از سوی حزب دمکرات باشد، و تاکید کومه له بر شرایط

پیچیده جنبش خلق کرد، محطوف به این مسأله باشد، که ملما نیست، خود کومه له در این زمینه، هیچگاه به چنین توازنی اساسا اعتقاد نداشته است. و اگر حزب دمکرات حد اقل در مقطع معینی و با هر هدف و برنامه ای به آن توجه نموده، پیروزی را تنها در گرو سرنگونی رژیم میسر دانسته است. کومه له هیچگاه از چنین واقعیتی در شرایط کنونی سخن نگفته است. کومه له که هدف برنامه ای خود را کسب خودمختاری از هر دولت بورژوازی حاکم قرار داده است، با طرح استراتژی خاص و شعار پیروزی راندن نیروهای اشغالگر، اصولا به چنین توازنی اعتقاد ندارد. استراتژی خاص کومه له بیتر آنکه تابع توازن عمومی جنبش انقلابی در ایران باشد که آنجا تا شکیبای معین را در هر مقطع مشخص ضروری می سازد، صرفا نیروی محرکه خود جنبش انقلابی خلق کرد را مد نظر دارد، بدون آن که رابطه ارگانیک بین این نیروی محرکه و مبارزه همه جانبه علیه دستگاه بوروکراتیک - نظامی حاکم را بعنوان یک واقعیت در نظر گیرد، که بدون درک آن اتخاذ این یا آن تاکتیک در جنبش انقلابی خلق کرد عملا، با در هوا و بدون هرگونه چشم انداز روشن خواهد بود.

نگاهی به "اسلامیه حقوقی پایه ای مردم زحمتکش در کردستان" که در پائیز سال گذشته از سوی کومه له در سطح جنبش انتشار یافته است آشکار می سازد که کومه له در زمینه درک از وضعیت کنونی و اهداف جنبش و چشم اندازهای آن چه درکی دارد و در زمینه "گشایش باب سازش با رژیم عملا" تا چه حد خود در این زمینه پیش رفته است. امری که در شرایط کنونی هیچ مضمونی جز تعدیل خواست های انقلابی جنبش در حد شعارها و اهداف رفورمیستی ندارد. "اعلامیه حقوق پایه ای... کومه له که آئینه تمام نمای "استراتژی خاص" کومه له است، عملا مطالبات انقلابی خلق کرد را تا حد یک سوی مطالبات حقوقی پائین آورده، چارچوب قانونی را جایگزین مبارزه همه جانبه در جهت ایجاد یک تحول انقلابی نموده است. این اعلامیه به جای آن که نفی موجودیت رژیم جمهوری اسلامی را مد نظر داشته باشد، از موضوعیت همزام

اجباری افسراد به جبهه های جنگ و هرگونه سرپازگویی جمهوری اسلامی در کردستان سخن می گوید (ماده ۱۲) و خواستار آن است که " قوانین مذهبی و ارتجاعی جمهوری اسلامی در کردستان به اجرا در نیاید هرگونه بازداشت افسراد توسط جمهوری اسلامی ممنوع گردد (ماده ۱۳)

در این اعلامیه کومه له اساساً تأکید بر منوعیت قوانین و سیاست های رژیم جمهوری اسلامی نموده است، بجای آن که موجودیت آنرا زیر سؤال برده و سرنگونی کلیت آنرا تنها راه تحقق خواست های دمکراتیک توده های زحمتکش خلق کرد در شرایط کنونی محسوب دارد، بلکه بر عکس کومه له در این اعلامیه به حضور و موجودیت جمهوری اسلامی رسمیت نیز بخشیده است و توده های خلق کرد را عملاً به تمکین به آن فرا خوانده است.

بسیار مسأله اگر بر سر مذاکره یا رژیم یا بقول کومه له سازش با آن باشد، آنها بعنوان یک سیاست مشخص در مرحله معینی از جنبش، مسلماً کومه له در زمینه گشایش چنین بابی، استعداد کفتری از حزب دمکرات ندارد. و چنین تفسیری در سیاست حزب دمکرات بیانگر هیچ گونه پیچیدگی خاص مورد نظر کومه له نمی تواند باشد.

اگر موضوع این پیچیدگی در شرایط کنونی جنبش انقلابی خلق کرد، موضوع مورد استناد دیگر کومه له در ارزیابی خود از این شرایط پیچیده باشد یعنی " نزدیکی حزب دمکرات به این یا آن جناح بورژوازی جهانی خود همین موضوع هم به لحاظی مسأله چندان جدیدی نیست، مگر حزب دمکرات گرایش طبقاتی خود را در آستانه و یکا حتی ماهها قبل از درگیری با کومه له روشن ساخته است؟ حزب در گزینش متحدین جهانی خود همیشه تابع منافع طبقاتی معین خود بوده و هست که در ضمن برنامه حزب دمکرات کاملاً مشخص و تیان است. حزب دمکرات در این زمینه اساساً دیگر هیچ گونه شک و شبیه ای را برای سی بر جای نگذاشته است

درگیریهای حزب و ...

مسأله مناسبات حزب دمکرات با احزاب سوسیال دمکرات اروپایی، امر پوشیده ای نیست. حزب دمکرات در این عرصه نیز سیاست روشنی داشته است. طرح پرسو صدای سوسیالیسم دمکراتیک از سوی رهبری حزب دمکرات، یک گام عملی نه تنها در زمینه تصریح برنامه خود، بلکه اعلام همبستگی با حامیان بین المللی خود نیز بود. حزب دمکرات در این عرصه تلاش نمود که هرگونه شبهه مربوط به این عدم تصریح را بکلی محو نماید. تا قبل از همه گرایش ناسیونالیستی بورژوازی خود را هر چه بیشتر چهره مشخص بخشیده، در عین حال به احزاب و محافل حامی خود نیز اطمینان خاطر بدهد که سوسیالیسم مندرج در برنامه حزب دمکرات حتی در حرف هم ضد سوسیالیسم علمی مارکس و هیچگونه تجانی، با عنوان مورد نظر ندارد.

در این وجه از " شرایط پیچیده " نیز همچون مورد " کشودن باب سازش " در مورد حزب دمکرات سیاست خود کومه له چندان تمایزی را آشکار نمی سازد. اتفاقاً در این زمینه خود کومه له با توجه به تداوم درگیری های کنونی با شور و شغف زاید الوصفی، از اشغال جایگاه رهبران حزب دمکرات در تلویزیون های اروپا توسط رهبران خود سخن گفته است. و " ظهور قدرت فائقه " جدید را در سایه فتوحات در درگیری های کردستان بشارت داده است که " محافل سیاسی خارج " ناگزیر از به رسمیت شناختن این قدرت تازه شناخته شده و " باز کردن حساب جدیدی برای آن " هستند (کمونیست ۱۸) مسلماً این محافل خارج اگر قرار است " تجدید نظر " نمایند، محافلی جز همان " این یا آن جناح بورژوازی جهانی " مورد نظر کومه له نیستند که باید این بار متحد مطمئن تر و نوظهور خود را در کردستان در وجود کومه له و شعار " نه شرقی، نه غربی " آن جستجو نمایند و به این نتیجه

دلخواه کومه له برسند که " تصور عسوی " این محافل " از تعادل و توازن قوا در کردستان غلط بود " است (همانجا) و این بار آنها باید روی کومه له " حساب باز کنند " که در این جنگ تبدیل شدن به " قدرت فائقه " در کردستان، خود را فاتح درگیری ها احساس می کند. فارغ از آن که این درگیری ها چرا بوجود آمده اند و چه تأثیرات مبینی را در جنبش انقلابی خلق کرد بر جای گذاشته اند و چه آینده ای را بر آن تدارک می بینند.

و اگر جدا از این تحلیل کومه له از وضعیت حزب دمکرات در " شرایط پیچیده " مورد نظر خود، موضوع اصلی درگیری های کنونی، این است که " و نه می تواند با اتکا به نیروی کارگران و زحمتکشان راه پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد را دنبال کند "

اما " از طرف دیگر نفوذ فزاینده سیاست ها و شعارهای کومه له راه پیروزی های صف مستقل کارگران و زحمتکشان را می کشاید " (چند سند صفحه ۵)

این امر قبل از همه باید خود را در واقعیت های جنبش کنونی نشان دهد. در کارنامه واقعی و نه ادعایی نیروها، خود را آشکار سازد. کومه له با کدام سیاست و شعار نه، بلکه عملکرد مشخص در جنبش انقلابی خلق کرده راه این پیشری را بازگشوده است. آیا صرف ادعاهای دور و دراز و تکرار شعارهای پرطعراق عاری از مفهوم طبقاتی می تواند بخودی خود راهگشای صف مستقل کارگران و زحمتکشان باشد. کومه له در اعلامیه حقوق پایه ای خود که به ادعای کومه له " رئیس اصلی حقوق مسلم و انکار ناپذیر کارگران و زحمتکشان کردستان " را به صراحت اعلام می نماید

(پیشرو ۳ تأکید از صا) و کومه له در زیر پرچم ایمن اسلامیه " مردم محروم و زحمتکش کردستان را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد وستمگری ملی فرا می خواند " (همانجا)

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

درگیریهای حزب و ...

ابتدائی ترین حقوق کارگران و دهقانان را در این اعلامیه از قلم انداخته است، حتی ۴۰ ساعت کار در هفته را به فراموشی سپرده است. مساله ارضی را به طاق نصیان سپرده است. عین همان کاری که در طول شش سال گذشته انجام داده است و به لحاظ طبقاتی جز این هم نمی توانست بکند. کومه له آیا از خودش سوال کرده است کدام اقدام دسکراتیک واقعی و کدام سازماندهی برای چنین اقدامی را در کردستان سازمان داده است که امروز مدعی گشایش راه پیشروی کارگران و زحمتکشان است. واقعیت این است که کومه له در برخورد به مسائل جنبش انقلابی در کردستان اگر چه در حرف و ادعا ید طولانی دارد، نتوانسته است به اقدامات جدی دست بزند. هر چند این نیرو در آغاز فعالیت خود دست به برخی اقدامات در مبارزه علیه فئودالهای شوریه و آن هم نه فئودالیسم می زد، ولی در واقع سیاست غلطی کومه له با حزب دمکرات چندان فاصله ای نداشته است. و در بهترین حالت به برخی اقدامات پرکننده در این یا آن منطقه محدود بوده است و در کل کومه له تحول خاصی را در کردستان هیچگاه نتوانسته است، نمایندگی کند.

بنا بر این اگر حزب دمکرات بنا به ماهیت طبقاتی خود نمایندگی عنصر پیشتاز این جنبش را نداشته و ندارد و عملاً نه تنها عامل تحولی در وضعیت نبوده، و در بسیاری مقاطع حتی در مقابل هرگونه تحولی در وضعیت نیز ایستادگی کرده است، کومه له نیز به همان دلیل ماهیت طبقاتی خود، از هرگونه پیگیری و عملکرد ادامه دار جدی و معینی در این زمینه، بگریزیده است. این وجه از استدلال کومه له هم بیش از آن که در خدمت تحلیل غلط اساسی درگیریهای کنونی و یا توضیح وجه تعارض آنها باشد، در خدمت همان اثبات جنگ بر سر تبدیل شدن به قدرت فائقه یا غیر فائقه در کردستان

است.

پس کدام تخییر اساسی در وضعیت کنونی تعارض این درگیریها با درگیریهای گذشته را روشن می سازد، اصولاً خود این درگیریها، محصول کدام سیاست و یا سیاست هائسی هستند؟

درگیریهای میان حزب دمکرات و کومه له، در طول چند سال گذشته امر اتفاقی نبوده و نیست و درگیری ادامه دار امروز نیز در میان این درگیریها يك استثنا نمی تواند باشد. این درگیریها اگر چه هر کدام در مقاطع معینی و تحت عناوین معینی آغاز گشته اند و هر کدام از مشخصه های خاص خود برخوردار بوده اند، ولی در کل همه آنها سلسله معینی از برخوردهای بین دو نیرو را تشکیل می دهند و از هم من و واحدی در کل برخوردارند. برخوردهای صلحانه بین دو نیرو در کردستان قبل از آن که محصول رشد عمومی جنبش و تقابل عمیق طبقاتی بین دو نیروی اجتماعی باشد، امری که کومه له اصرار بر اعلام آن دارد، قبل از همه محصول محدودیت دید هر دو نیرو در زمینه اهداف و امال جنبش کنونی در کردستان و نتیجه بن بست دیدگاههای کیوتنه نظرانگه، ناسیونالیستی آنهاست. عدم وجود دید روشن از اهداف مرحله ای جنبش و حرکت کورو بی برنامه در عرصه برخورد به مسائل اساسی جنبش کنونی، عدم هرگونه توجهی به سازماندهی درونی و پایه ای جنبش کنونی، جایگزین هرگونه برنامه روشن برای هدایت جنبش کنونی گشته، و در فقدان برخورد دمکراتیک و اصولی به حل اختلافات فیما بین، عملاً زمینه ساز درگیریهای کنونی شده است. هر دو جریان با گرایشات و دیدگاههای عمیقاً ناسیونالیستی خود، قبل از آن که اختلافات خود را بر بستر مبارزه مشترک و بر اساس اصول معین سیاسی حل و فصل نمایند و رهبری ابعثائی خود بر جنبش را قبل از آن که محصول شایستگی در هدایت مبارزه کنونی بدانند، به لحاظ ماهیت طبقاتی خود قادر به درک آن نیز نیستند - به تناسب توان نیرو، انرا محصول تقابل با جریان دیگر و به اصطلاح بر سر جای خود نشانیدن دیگری می دانند. طبیعی است زمانی

که جای هرگونه ضاسبات معین و روشن سیاسی و عطفی، را در تمامی زمینه ها، ضاسبات کور و خود بخودی فیما بین نیروها گرفته باشد، این تقابل در برهه های بحرانی خود و نه الزاماً در نهایت و در مرحله خاصی از مبارزه که بفرض اختلافات اساسی اجتناب ناپذیر است، به درگیری نظامی نیز خواهد کشید. زمانی که هیچ راه حلی برای مباحثات و توافق بر سر اصول حاکم بر پیشبرد این اختلافات وجود نداشته باشد، بر عکس به انحصار گوناگون از رسیدن به چنین راه حل هائی - که مصلحتاً ضمونوی جدا از اهداف دمکراتیک جنبش کنونی نمی تواند داشته باشد - شانه خالی شود و اصولاً به چنین ضرورتی اهمیت داده نشود، طبیعی است که اختلافات خود بخود راه حل خود را به هر شیوه ای بساز خواهند نمود.

اصلاً علاوه بر ضاسبات دو نیرو، این درگیریها و ادامه آنها، حاکی از واقعیت دیگری نیز هست که انهم اعلام آشکار بی کفایتی کامل سیاستهای موجود، در رهبری و هدایت پیروزمند جنبش کنونی و تهدید جدی حیات آن است. نه حزب دمکرات و نه کومه له، بنا به ماهیت طبقاتی خود از انچنان ظرفیت و توانائی برخوردار نیستند که بتوانند بر ضروریات جنبش کنونی عمل نموده، و نقش و جایگاه جنبش انقلابی خلق کرد در مبارزه کنونی علیه رژیم جمهوری اسلامی و چشم اندازهای مشخص انرا بدرستی درک نموده، یا را از محدوده اهداف محدود خود فراتر نهاده، به سازماندهی درونی این جنبش با توجه به توان و ظرفیت بالقوه آن حتی بیاندیشند. آنها بر زمینه اختلافات موجود خود، و هر کدام بنوعی قبل از همه متغول سازماندهی قدرت فائقه خود بر دیگری هستند. نتیجه این سیاستها امروز این است که هیچکدام از دو نیرو نتوانسته اند در طول بیش از شش سال گذشته، پاسخ روشنی به مسائلی سازماندهی تداوم قوت نمایند جنبش کنونی بدهند. آنها قبل از همه تلاش نموده اند، قدرت جنبش را در اراده بالفعل خود خلاصیه نموده و به تقسیم خونین آن

درگیریهای حزب و ...

بپردازند. هر از چند گاهی برای اعمال این قدرت بر دیگری به اسلحه توسل جویند که این پروسه در قیاب هرگونه اعتمادی به اراده مشکل توده ها و تسویه به الزامات جنبش، در نهایت به درگیریهای ادامه دار کنونی منجر گشته است. آنها بیرونی اسلحه خود بر دیگری را آن هم در جریان یک مبارزه همه جانبه با رژیم ارتجاعی حاکم، وسیله ای برای تحمیل موقعیت خود و تحقق اهداف کوتاه نظرانه خود محسوب داشته اند. درست در پرتو چنین نگرشی و برخورد عطفی به مسائل نیز هست که حتی رادیکالیسم ناپیکر کومه له هم در عمل رنگ باخته و در خدمت چنین اهدافی قرار گرفته و می گیرد.

از همین رو نیز درگیریهای کنونی بدون تردید ادامه درگیریهای گذشته و حصول اجتناب ناپذیر سیاستهای موجود هر دو نیروست. درگیریهای کنونی محصول اجتناب ناپذیر اهداف محدود و کوتاه نظرانه حاکم بر برنامه و عملکرد هر دو نیروست که انعکاس خود را در مناسبات دو نیرو نهایتاً و نه تنها یکبار بلکه بارها به شکل درگیریهای خونین آشکار ساخته است. حزب دمکرات و کومه له در هیچ برهه ای از حیات این درگیریها پاسخ جدی به مسائل منجر به درگیریها نداده اند. هیچ کدام از آنها حتی در صورت امتناع یکی از طرفین از پذیرش این یا آن راه حل اصولی به نیرو و انرژی جنبش انقلابی و فشار همه جانبه به نیروهای سیاسی در مقابل با چنین امتناعی بها نداده اند. و هر کدام بنوبه خود با اقدامات و تاراجی های خود، در این یا آن درگیری هرگونه تلاش را نیز بی حاصل نموده اند. در این درگیری حزب دمکرات، در آن درگیری کومه له، در این درگیری حزب دمکرات با پیش شرط محدود نمودن تبلیغات سیاسی بدلیل ناآگاهی نیرویش، در آن درگیری کومه له بدلیل عدم وجود "اعتقاد" و "انصاف" ... و نهایتاً در درگیری اوراطان حزب دمکرات با امتناع از پذیرش مسئولیت جنایات تشکیلات اوراطان خود و باز هم شروع مجدد درگیریها با اقدام انارشیمیستی کومه له بر زمینه همین امتناع حزب دمکرات و در ابعاد

نتیجه راه حل خود را به صورت شرط و شروط جدید مطرح نمی ساخت. ولی کومه له فاقد چنین صفت دیدی و در نتیجه توان برخوردی به مسائل صرم کنونی است و این امر تنها کگی به قطع درگیریهای کنونی نخواهد کرد، بلکه بر وسعت و تداوم آن نیز خواهد افزود و حقانیت این یا آن شعار درست و اصولی را نیز در پرتو این یا آن تحلیل غیر واقعی و برخورد های غیر اصولی از میان خواهد برد و در عمل حاصلی جز ادامه وضعیت موجود را بدنبال نخواهد داشت.



پلنوم حزب دمکرات ...

از صفحه ۲

مثل جاش و پاسدار" برخورد نماید. به مسئولین خود در مناطق حق می دهد که بسته بهانه های مختلف در هر شرایطی و هر طور که خود تشخیص می دهند "امکان هرگونه حرکتی را از چنین نیروهایی سلب نمایند" و آنها درگیر شوند، به فحاشی و توهین و حتی ضرب و شتم پیشمرگان چنین نیروهای ادامه دهند.

"درست و صحیح" ارزیابی کردن "وضع دفتر سیاسی" علیه نیروهای سیاسی در کردستان، قهومی جز تشدید وضعیت بحرانی کنونی، ندارد. و حزب دمکرات با چنین موضعی همچنان به عنوان عامل اصلی تخریب مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی در کردستان بی اعتنائی و بی اعتقادی هر چه بیشتر خود به هرگونه اصل مسلم دمکراتیک در جنبش انقلابی خلق کرد را آشکار ساخته است. بدون تردید ادامه چنین سیاستی و اعلام رسمی آن نمی تواند بی ارتباط با سیاست ادامه درگیریها و طفره رفتن از پذیرش اثر بس و گوردن نهادن به یک راه حل دمکراتیک از سوی این حزب باشد. اعلامیه دفتر سیاسی در مورد تایید و تصحیحات پلنوم کهنه مرکزی حزب دمکرات، آشکار می سازد که حزب دمکرات، هیچگونه تفسیر اساسی در مواضع خود در این زمینه نداده است. بلکه بالعکس به مقتضای روند حوادث، بر اساس ترین وجوه سیاست های ضد دمکراتیک خود صحنه گذاشته است.



بسیار خونین تر گشته و باز هم امتناع حزب دمکرات از پذیرش هرگونه آتش بس و اعلام شرط و شروطی غیر دمکراتیک برای پایان دادن به درگیریها و در عمل باز گذاشتن راه برای تداوم خونین آنها.

ما همانطور که بارها نیز گفته ایم، معتقدیم مسلماً درگیریهای کنونی با درگیریهای گذشته یک تمایز اساسی دارند، متبانه در شعارها و اهداف طرفین درگیر که نسبت به سابق تغییر اساسی ای را نشان نمی دهند، بلکه این تمایز قبل از همه در شرایط و موقعیتی از جنبش کنونی است که دیگر امکان و اجازه برخورد کور و بی برنامه یا این درگیریها را به شیوه گذشته نمی دهد و راه حل های کدخدا مشانه گذشته قادر به پایان دادن به آن نیستند. رشد عموماً جنبش عملاً راه را بر شیوه های ناپایدار حل اختلافات فیما بین میدود ساخته است. درگیریهای کنونی دیگر به یکی از گرهی ترین مسائل تداوم جنبش کنونی، یعنی اصول دمکراتیک ناظر بر آن پیوند خوده است. از همین رو نیز بدون ارائه راه حل اساسی و کاملاً مورد قبول جنبش انقلابی، بدون تثبیت اصول و مناسبات دمکراتیک فیما بین نیروهای سیاسی کهنه التزام "هر دو نیرو را نیز در بر می گیرد، نمی توان از پایان دادن به درگیریها سخن گفت، و هرگونه اثر بسی در شرایط کنونی باید چنین هدفی را دنبال کند.

اگر کومه له در ارزیابی خود گامی فزاینده از وضعیت موجود می گذاشت و به ریشه یابی درگیریهای کنونی می پرداخت، عمل و عوامل وجودی آنها را جستجو می نمود و تنها به اشاره های کلی به ماهیت طبقاتی حزب دمکرات و تحلیل ویژه خود از بسط و تعمیق فعالیت کومه له بسنده نمی کرد، مسلماً در ارائه راه حل نیز به آنجا نمی رسید که اثر بس را از "انطباق کامل" سیاستهای خود با "صالح جنبش" نتیجه بگیرد. بلکه از ضروریات عینی جنبش و الزامات عملی پیشرفت آنی آن استنتاج می نمود و در

نگاهی به

مبارزات توده‌ای در کردستان

(سه ماهه دوم سال ۶۴)

ما در گذشته برخی مشخصات عینی مبارزات توده‌ای در شهرها و روستاهای کردستان را نشان داده‌ایم و بر جنبه‌های بارز آنها که بیانگر روحیه و سطح مبارزاتی خلق کرد علیه سیاستهای متحرکانه رژیم جمهوری اسلامی است تاکید کرده‌ایم.

در نگاهی به مبارزات توده‌ای کردستان (سه ماهه اول سال ۶۴) مندرج در ریگای کتبه شماره ۳۲ نشان داده‌ایم که در مقابل سیاستها و اقدامات سرکوگرانه رژیم صبح و سیمی از حرکات اعتراضی روستاهای سراسر کردستان را فرا گرفته است، و مبارزات توده‌ای در سه ماهه دوم امسال آشکار می‌سازد که این مبارزات با ابعاد وسیع‌تر همچنان رو به گسترش است.

بررسی حرکات اعتراضی توده‌های زحمتکش در چند ماه گذشته نشانگر استمرار قدرتمند مبارزه توده‌ها در شهرها و روستاهای کردستان و نموداری از روحیات انقلابی توده‌های انقلابی خلق کرد می‌باشد. هرچند این حرکات اعتراضی همچنان فاقد انسجام و یکپارچگی سراسری بوده، در هر حالت چه به صورت محدود و یا بصورت وسیع و پیرامنه عنصر خود بخودی نقش پازری در این حرکات داشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که جهت تامین تسلط خود بر کردستان سیاستهای ضد انقلابی نظیر تسلیح سوازگیری اجباری، ایجاد شوراهای اسلامی، دستگیری، اخاذی مالی، تخریب و بانش کشیدن روستاها و اعمال فشار بر توده‌های خلق کرد اتخاذ نموده است، اما همچنان با موجی از اعتراضات توده‌ای در برابر اجرای هر کدام از این سیاستها روبه‌رو بوده و نتوانسته است موفقیت‌های پایداری در پیشبرد این سیاستها بدست آورد.

تخلیک جوانب مختلف سیاست رژیم در کردستان و بررسی اعتراضات توده‌ای نسبت به هر کدام از آنها خود گویای روشن تری از این واقعیت است.

سیاست تسلیح اجباری و اقدامات ضد انقلابی برای اجرای آن

رژیم جمهوری اسلامی بطور همه روزه در ماههای تیر، مرداد و شهریور، مذبحخانه کوشید تا با تسلیح اجباری قریب ۶۴ روستا از مناطق جنوبی، مرکزی و شمالی کردستان، شامل سنندج، سرپون، اورامان، دیواندره، بانه، سنقر، بوکان و مهاباد بخش دیگری از توده‌های زحمتکش روستاها را تحت فشار مزدوران سرکوش به تمکین واداشته و با اصطلاح آنان را تحت کنترل نظامی خود در آورد. اما بررسی اخبار مبارزات توده‌ای در سه ماهه اخیر نیز نشان می‌دهد که رژیم نتوانسته است علیرغم تعاضی جنایات خود، به اهداف دست یابد.

سیاست تسلیح اجباری اهالی روستاهای کردستان که رژیم آنرا از سه سال گذشته در پی سیاست گرفته است از همان اول با اعتراض زحمتکشان کردستان روبه‌رو بوده است. تاکنون رژیم در این زمینه فشار زیادی را بر دوش اهالی روستاهای سراسر کردستان وارد آورده است. هرچند رژیم تنها با توسل به زور و بعضاً تحمق و فریب نتوانسته است بطور موفقیت این سیاست ارتجاعی را در روستاهایی به اجرا در آورد، ولی بزودی این موفقیت ناچیز مزدوران رژیم موجی از اعتراض اهالی را برانگیخته و اهالی یا ابراز نفرت نسبت به این سیاست ضد انقلابی سلاحهای رژیم را به سوی مزدوران پرتاب کرده‌اند و یا در مواردی نیز اهالی این روستاها بمنسوان اعتراض دست به تخلیه روستاهای خود زده‌اند. علاوه بر این دهها حرکت اعتراضی دیگر در هر جایی که رژیم قدم گذارده است بسوق پیوسته است.

در سه ماهه گذشته از جمله اقدامات رژیم برای تسلیح اجباری، توسل به ارعاب و دستگیری اهالی بوسه جوانان روستاها بوده است.

در تیر ماه مزدوران رژیم ۴ نفر از اهالی روستاهای "عصر آباد"، "ره شه دی" و "بیله" در منطقه سرپون را دستگیر و آنان را روانه یادگان شهر نمودند.

در منطقه بوکان نیز جوانان روستای "گانی دریز" دستگیر می‌شوند و مزدوران در اتر اعتراض و مقاومت اهالی صوفی به بریدن آنان به پایگاه نمی‌شوند. در منطقه بوکان طی مرداد ماه در روستای "حامیان" بعد از يك زد و خورد دو طرفه بین اهالی و مزدوران کتبه اهالی روستا از مردوبن و بیرون جوان دستگیری شدند. در ۹ شهریور ماه بعد از يك زد و خورد بسا مزدوران د نفر از اهالی روستای "شیخ چوپان" توسط مزدوران دستگیری می‌شوند. البته لازم بیاد آوری است که توسل رژیم به يك چنین شیوه‌هایی معمولاً توأم با اذیت و آزار شدید اهالی صورت می‌گیرد که در اثر اعتراض توده‌ها در بسیاری موارد نیز رژیم وادار به عقب نشینی گشته است و حتی دستگیر شدگان فوراً آزاد گردیده‌اند.

علاوه بر دستگیریها که زکر آن در بالا رفت، رژیم بعد از یورش به روستاهای مورد نظر برای واداشتن توده‌ها به برداشتن سلاح، تلاش نموده تا در برخی روستاها اسلحه را مستقیماً و یا زور بدست جوانان بیارد و یا با فریب و طرح نگهبانی از روستا تعدادی از اهالی را وادار به برداشتن سلاح نماید. در مواردی دیگر رژیم دست به ایجاد پایگاه در روستا زد تا ضمن تشدید فشار بر اهالی آنان را به تسلیح در برابر سیاست تسلیح اجباری وادار و یا بسا برقراری حکومت نظامی در روستا تردد زحمتکشان را زیر نظر بگیرد و ضمن اعمال انواع فشارها، خواست تا اهالی صلح شوند. در مواردی دیگر که رژیم از روشی مستقیم با اهالی چیزی عایدش نشده به شوراهای روستایی توسل شده است تا بلکه یا جلب آنها و اعمال زور و ارعاب آنان را به تمهینت از سیاست رژیم واداشته و بمنسوان عامل اجرای این سیاست و ترغیب اهالی روستاها از آنها استفاده نماید.

مزدوران رژیم که در پیشبرد اهداف خود در منطقه بانه بسا شکست مواجه شده بودند در مرداد ماه طی نشستی با شرکت مسئولین ارگانهای سرکوب از جمله مسئول سپاه پاسداران، معساون

نگاهی به ۵۵۵

واحد بسیج، معاین اطلاعات بسیج و مزدوران دیگر، تصمیم گرفتند تا جهت تسلیح اهالی منطقه شوراهای روستاها و ملاحا را برای همکاری دعوت نمایند. در این نشست تصمیم گیری شد که روستائیان منطقه با همکاری شوراهای ملاحا مسلح شوند، همچنین آنها تصمیم به تسلیح اجباری اهالی روستاهایی که در مسیر تردد مزدوران واقع شده اند گرفتند. در همین رابطه روز بیستم مرداد ماه ۳۱۲ نفر از اعضای شوراهای ملاحا به شهر بانه احضار شدند.

الف) اشکال حرکت اعتراضی در برابر سیاست تسلیح اجباری

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی هر جا که برسد برآمده اند تا بهر نحو ممکن توده ها را وادار به تسلیح نمایند و سیاست تسلیح اجباری را بر آنها تحمیل کنند، با موجی از اعتراضات خشم آکنده اهالی زحمتکش روستاها مواجه گردیده اند و سرانجام بعد از تظاهرات بی فوجام مجبور به عقب نشینی شده اند.

توده های زحمتکش در عملی به دشمنان خود نشان داده اند آنان برای دفاع از حقوق حقه خود تا پای جان پیش خواهند رفت و تسلیم نخواهند شد.

اهالی روستاهای عصر آباد، وه شه دی، بیله در منطقه مریوان با اعتراض دسته جمعی نسبت به دستگیری ۴ نفر از اهالی این روستا مزدوران رژیم را به عقب نشینی واداشتند. عده ای از زندانیان آزاد گردیدند و عده ای در اسارت باقی ماندند با این وجود زحمتکشان اعلام داشتند که هرگز اسلحه رژیم را بر نخواهند داشت. اهالی روستای و سر از واره رود منطقه سنندج در مقابل خواست مزدوران مبنی بر تسلیح اجباری از پذیرفتن خواست مزدوران سر باز زدند و در مقابل تیراندازی، دستگیری و آزار و اذیت مزدوران سر تسلیم فرود نیاوردند. ۲۵ نفر از اهالی روستای دهرگر در منطقه شمال کردستان که تحت فشار مزدوران سرکوبگر رژیم مسلح شده بودند یکروز بعد از تسلیح اجباری، اسلحه های رژیم را بطرف جاش های مزدور پرتاب کردند که مزدوران با سرفاکنندگی مجبور

به ترک روستا گردیدند. اهالی روستای کانی ریزو در منطقه بوکان طی یک حرکت اعتراضی مزدوران را وادار کردند تا جوانان روستا را که بعد از یورش خود دستگیر کرده بودند آزاد نمایند. زحمتکشان روستای زوم در منطقه اورامان در پاسخ به اخطار مزدوران بصرای تسلیح اجباری و سیاست پایگاه سازی در روستا دست به یک حرکت اعتراضی زدند، تیراندازی مزدوران بطرف اهالی خللی در اراده آنان بوجود نیاورد و در ادامه اعتراض زحمتکشان مزدوران عقب نشینی کردند.

اهالی روستای کوله سه پایین در منطقه سردشت همگی بیمان بستند اسلحه رژیم را برداشتند. اهالی روستاهای منطقه گورک میسر دی در مقابل سیاست تسلیح اجباری دست به اعتراض زدند. در طی دو حرکت مشابه در روستاهای پیر عمران و قره چر در منطقه گورک سقز در ادامه اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم که توسط زحمتکشان این روستاها صورت گرفت، زحمتکشان به مقر جاشها و پاسداران حمله ور شدند و در پی پیچیده آنان را خرد نمودند. همچنین اهالی روستای پیر عمران در تداوم این حرکت با خواست آزادی دستگیر شدگان به شهر مراجعه کردند و در جلو فرمانداری شهر نیز دست به اعتراض زدند.

در منطقه بوکان رژیم به روستاهای چوم مجید خان، ترغه و بعضی از روستاهای منطقه فیض الله بیگی اعلام داشت که اهالی باید مسلح شوند و جوانان نیز به سرسازی بروند. این اخطار رژیم بوسیله بی احتیائی اهالی این مناطق مواجه گشت و در اواخر مرداد ماه زحمتکشان روستای حاصیان در منطقه بوکان پس از یورش رژیم و اعمال زور برای تسلیح اهالی دست به یک حرکت اعتراضی زدند. این حرکت اعتراضی تبدیل به درگیری با مزدوران شد که در نتیجه آن در اثر ضوابط چوب و سنگ زحمتکشان یک پاسدار به هلاکت رسید و چند تن از پاسداران نیز زخمی شدند، سرانجام با زور اسلحه مزدوران تمامی اهالی روستا دستگیر شدند. مشابه همین حرکت در تارینخ

۱۲ مرداد ماه در روستای گز گزاره روی داد. هنگامی که مزدوران رژیم بمنظور تسلیح اجباری به این روستا یورش آوردند، اهالی زحمتکش در مقابل خواست ارتجاعی مزدوران دست به اعتراض زدند. مزدوران برای مقابله با اعتراضات توده ها سعی آنها تیراندازی کردند. در اثر این تیراندازی ۲ نفر از زحمتکشان مجروح شدند. با این وجود توده های زحمتکش این روستا همچنان بر تصمیم خود پافشاری کردند.

اهالی روستای گنج آباد در منطقه مهاباد در مقابل فشار رژیم برای تسلیح اجباری سر تسلیم فرود نیاوردند و تاکید کردند اگر رژیم دست از اعمال فشار بردارد روستا را به نشانه اعتراض تخلیه خواهند کرد.

در منطقه ریط هنگامی که پاسداران جنایتکار شوراهای چند روستا را فراخواندند تا آنان را برای اجرای سیاست تسلیح اجباری در این منطقه جلب نمایند، این حرکت مورد اعتراض زحمتکشان روستاها و شوراهای آنها قرار گرفت. بعد از فشار رژیم به روستاهای منطقه گورک سقز اهالی روستاهای این منطقه سرور روستاهای طاهر بغه، قتیلاق افغانان، کندلان و بوکان به مقاومت و اعتراض پرداختند و مزدوران را وادار به عقب نشینی کردند. اهالی روستای بوکان در منطقه پیش از آنکه مزدوران امکان ورود به روستا را پیدا کنند، راه آنان را سدود ساخته و ضمن دادن شعار با سنگ و چوب به خود پاسداران حمله کردند و مانع ورود آنان به روستا شدند. تا شدن طی حرکت مشابهی زحمتکشان روستای شیخ چویان در منطقه سقز بعد از فشار و زور مزدوران به تعرض علیه آنان پرداختند و با سنگ و چوب به خود در مزدوران حمله ور شده و شیشه آنها خرد کردند که طی آن دو پاسدار به هلاکت رسیده و یک زن زحمتکش زخمی گشت.

همچنین تمامی روستاهای اهالی روستای پیر عمران و قره چر از منطقه سقز - روستای ماواند انبسی و کورانه در منطقه سرگور و چند روستا در منطقه دیواندره که به زور مزدوران رژیم مسلح شده بودند طی اعتراضات خود سلاح های رژیم را پس می دهند

نگاهی به

ب) علیه سیاست صیقلگیری اجباری

رژیم درمانده جمهوری اسلامی در چند سال اخیر علاوه بر اعمال سیاست ارتجاعی تسلیم اجباری، تلاش زیادی بکار برد تا با صیقلگیری اجباری جوانان انقلابی کردستان را قربانی سیاستهای ضد خلقی اش نماید. اما چندان موفقیتی در این زمینه بدست نیاورده است.

در اواخر تیرماه مزدوران رژیم ضعیف صدور يك اطلاعیه توسط سپاه پاسداران برای جلب مشولین که ۲۴ روستا را در منطقه سردشت شامل می گردید، یورش گسترده ای را آغاز کردند. حین این یورش که هدف دستگیری جوانان را دنبال می کرد، چند نفر از جوانان زحمتکش روستاهای منطقه دستگیر و به مراکز نظامی رژیم برده شدند. اهالی روستاهای جوانان دستگیر شده نسبت به این سیاست ضد خلقی اعتراض نموده، عده ای از جوانان موفق به فرار شدند و برخی دیگر روانه پادگانها گردیدند.

زنان زحمتکش منطقه اشویه، علیه دستگیری ۸۰ نفر از جوانان این منطقه دست به اعتراض زدند. اهالی روستای دانش بلاغ در منطقه اشنار روز ۲۷ مرداد ماه نسبت به یورش مزدوران و اقدام آنان جنسی بر دستگیری جوانان این روستا دست به اعتراض زدند. مزدوران سرکوبگر برای جلوگیری از گسترش حرکات اعتراضی توده ها با تیراندازی بسوی آنها، سه نفر اهالی زحمتکش را زخمی نمودند.

همچنین اهالی روستاهای منطقه سقز به شیوه های مختلف اعتراضات خود را نسبت به سیاست صیقلگیری رژیم اسرازداشتند. مزدوران رژیم در چند مورد از جمله در روستای قره چسب روستاهای بویشان، کندلان و سیاد بالا، پیغمبران به دستگیری جوانان پرداخته و چندین نفر از جوانان را با زور راهی پادگانها نمودند. مزدوران

برای پیشبرد این سیاست شدیداً اهالی را زیر ضرب و شتم قرار داده و چندین نفر را زخمی کردند. در منطقه اورامان مزدوران ۳۰۰ نفر از جوانان را برای اعزام به سرپای دستگیر کرده همچنین در روستاهای شمخال کردستان در منطقه ارومیه رژیم با هدف دستگیری جوانان روز ۲۷ شهریور ماه به روستاهای "سیناوی"، "براسب"، "علیه"، "ژرایی" و "انبی"، اهالی این روستاها را مورد حمله قرار می دهند. روز بعد مزدوران با یورش وحشیانه خود موفق به دستگیری ۱۰۰ نفر از اهالی این روستاها می گردند.

رژیم که بخوسی می داند از هیچگونه نفوذی در بین توده های خلق کرد برخوردار نمی باشد و با تبلیغات مزدورانه و بخشش فراعوانهای رسمی نمی تواند جوانان انقلابی را بزور سلطه خود بشکند، فوراً به روستاهای مورد نظر یورش می برد، تا پیشاپیش مانع فرار جوانان از روستا گشته و آنها را دستگیر و روانه پادگانها نماید. اما با این وجود دیگر بن بست این سیاست و عدم موفقیت رژیم در اجرای آن بر همگان روشن گردیده و رژیم هر چند بطور کامل در این زمینه به عقب رانده نشده است، ولی با زهم بنحو محسوسی از تمرکز فشار خود که در خدمت این سیاست بر توده های خلقی کرد اعمال می نمود، نسبت به ماههای قبل کاسته است.

رژیم که بخوسی می داند از هیچگونه نفوذی در بین توده های خلق کرد برخوردار نمی باشد و با تبلیغات مزدورانه و بخشش فراعوانهای رسمی نمی تواند جوانان انقلابی را بزور سلطه خود بشکند، فوراً به روستاهای مورد نظر یورش می برد، تا پیشاپیش مانع فرار جوانان از روستا گشته و آنها را دستگیر و روانه پادگانها نماید. اما با این وجود دیگر بن بست این سیاست و عدم موفقیت رژیم در اجرای آن بر همگان روشن گردیده و رژیم هر چند بطور کامل در این زمینه به عقب رانده نشده است، ولی با زهم بنحو محسوسی از تمرکز فشار خود که در خدمت این سیاست بر توده های خلقی کرد اعمال می نمود، نسبت به ماههای قبل کاسته است.

پ) اعتراض توده ها نسبت به آزار و انزیت اهالی توسط مزدوران رژیم

رژیم جمهوری اسلامی برای تامین امنیت پایگاههای مزدوران خود و ایجاد رعب و وحشت در میان زحمتکشان و گستن پیوند آنان با پیشمرگان از هیچ آزار و انزیتی در قبال مردم زحمتکش کردستان فروگذاری نمی کند. یورش به روستاهای انزیت و آزار اهالی، دستگیری، اخاذی مالی، غارت و چپاول اسوا، تیراندازی بسوی مردم و... از جمله سیاستهای ارتجاعی مزدوران رژیم در روستاهای کردستان است.

اما توده های خلقی که با حمایت مادی و معنوی خود از

در چندین مورد در اثر ضرب و شتم مزدوران، اهالی بی دفاع روستاها جان سیرده اند: پنج تیرماه در روستای "سیف" از منطقه سریوان در اثر تیراندازی مزدوران بسوی زحمتکشان متعرض به سیاست آزار و انزیت رژیم. يك نفر از اهالی به شهادت می رسد. هشتم تیرماه يك نفر از اهالی روستای "کپله سیان" در اثر یورش نیروهای سرکوبگر به شهادت می رسد. در اعتراض باین جنایت، زحمتکشان مزدوران را تهدید می کند به تخلیه روستا می کنند.

روز ۲۱ / ۴ / ۶۴ مزدوران در روستای "قره قاپ" با یورش به خانه یکی از اهالی بنام "کاک عبدالله شریفی" او را به شهادت می رسانند. در تاریخ ۱۶ / ۵ / ۶۴ مزدوران به روستای برنجیان یورش برده و بعد از انزیت و آزار اهالی يك نفر را با خود برده و در نیمه راه او را به شهادت می رسانند.

در بسیاری از روستاها، رژیم برای فشار به اهالی با ایجاد فضای رعب و وحشت سعاعانه زحمتکشان را تحت آزار و انزیت قرار داده اند، لیکن توده های زحمتکش با روحیه ای انقلابی، مقاوم و استوار در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم ایستادگی کرده اند. در منطقه بانه، اهالی روستای "شیوه" فرمانده پایگاه را که برای ارباب زحمتکشان به طرف آنان اسلحه کشیده بودند بعد از کک متغسل از روستا بیرون می کنند.

در منطقه پیرانشهر اهالی روستاهای "زنگ آباد"، "کرچک آباد" و روستاهای منطقه "لاجان" از بیگاری برای مزدوران، سرساز می زنند. مزدوران زیوانانه در برابر این مقاومت توده ای، ۲۰ تراکتور اهالی را توقیف می نمایند. در ششم شهریور در روستای "هاجی پدره" در منطقه مهاباد مزدوران با تیراندازی چند نفر از اهالی را زخمی و بی توجه به اعتراض زحمتکشان زخمی ها را طناب پیچ کرده و با خود می برند.

در منطقه بانه روز ۲۱ تیرماه

در روستای "سویج" و در منطقه دیواندره در روستای "توکلان" و در روستای "قلات" در منطقه پیرانشهر مزدوران رژیم بعد از آذیت مردم به سوی آنها تیراندازی کردند.

هدف این حملات جنون آسا انتقام کشی از زحمتکشان بود که پیشمرگان انقلابی را تحت حمایت خود قرار داده بودند. مزدوران رژیم برای نشان دادن قدر قدرتی خود زیوانه دست به آتش کشیدن روستاها نیز زده اند. در ۲۱ تیر ماه روستاهای شمال کردستان از جمله "شیرین" و "دی گوزان" "کیجکاران" "چرمی" "کاولان" "دیمان" "ناصرآباد" "مهریان" را به آتش کشیدند و اهالی آنها را آواره روستاهای اطراف نمودند. روز ۱۴/۵/۶۴ مزدوران خانه و کلیه سخت زمستانی روستای "قباد بلیان" در منطقه پیرانشهر را به آتش کشیدند. روستاهای "بازرگان" و "هوشینان" در منطقه نقده نیز توسط مزدوران به آتش کشیده شد.

در روز ۱۶/۵/۶۴ مزدوران بعد از به آتش کشیدن محصولات اهالی روستای "نشان" آنها را تهدید کردند در صورت همین گذاری پیشمرگان تمامی روستا را به آتش خواهند کشید. در روز ۱۰ شهریور بعد از ضربات کاری پیشمرگان بر مزدوران رژیم سرزخمین روستای "گانی سپی" در منطقه ارومیه را مورد یورش قرار داده و به آتش کشیدند و در همین روز در روستای "زویج" در منطقه سنندج در اثر تیراندازی مزدوران انبار علوفه زمستانی یکی از اهالی دچار حریق گردید. در شهریور ماه نیز روستاهای "حسین آباد" و "کشان" در منطقه بوکان و اشنویه توسط مزدوران رژیم تخریب گردید.

مزدوران رژیم با اخذی طالی جلوه دیگری از سیاستهای جنایتکارانه خود را به نمایش گذاشتند

مزدوران رژیم طی یورشی به روستای "شقال" محظفی در منطقه نقده مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ تومان از یک خانه به غارت می برند. از خانه یکی از اهالی روستای "گانی مام

نگاهی به ۵۵۵

سیده - نیز مزدوران ۸۰۰ تومان به غارت می برند. در شهریور ماه مزدوران رژیم تحت عنوان پیشمرگه در روستای "گیزمل" با زور و تهدید مبلغ ۴۵۰۰ تومان از اهالی اخذی می کنند.

در روز ۱۰/۴/۶۴ در منطقه بازار سردشت مزدوران از ۲ عابر مبلغ ۷۵۰ و ۲۵۰ تومان اخذی مالی می نمایند.

در اثر فشار یک جاش به یکی از اهالی روستای "کوبه کوسز" جنی بر پرداختن ۵۰۰۰ تومان سرد زحمتکش که بناچار ۵۰۰۰ تومان موجودی خود را پرداخته بود در زور ضربات کتک جاش کتیف جان خود را از دست می دهد.

روز ۱۸ مرداد ماه مزدوران با زور و تهدید مبلغ ۲۷۰۰ تومان از اهالی روستای "تلاکون" اخذی می شود.

اما هیچکدام از این سیاستهای ارتجاعی قادر نبوده است روحیه انقلابی خلق کرد را درهم شکنند. رژیم نیز در اوج رسالت و پستی توانسته است پایه های حکومت ستم و جنایت خود را در کردستان مستحکم نماید. در خاتمه آنچه را که می توان در یک کلام نتیجه گرفت این است که:

طی سه ماهه دوم سال ۶۴ مبارزات توده های انقلابی خلق کرد همچنان با قدرت و ابعاد وسیع تداوم یافته و رژیم علی رغم بکارگیری شیوه های مختلف باز هم نتوانسته است اراده انقلابی زحمتکشان کردستان را درهم شکند.

ت مشخصات عمومی مبارزات توده ای در کردستان

۱- بکارگیری شیوه های انقلابی مبارزه توسط توده های خلق کرد یکی از جنبه های بارزی است که غالباً در حرکات اعتراضی طی ماههای گذشته مشاهده می گردد. در حقیقت مبارزات توده ای علیه رژیم در سه ماهه گذشته بیش از همه بیاتگر

گوشه ای از قدرت لایزال و انقلابی خلق کرد و عزم همه جانبه آن برای تحقق اهداف خوش است.

۲- مبارزات توده ای علی رغم فشار و سرکوب شدید همچنان استمرار خود را حفظ نموده و رژیم نه تنها با اقدامات ضد انقلابی اش نتوانسته است همبستگی و پیوند توده های زحمتکش را با پیشمرگان از هم بکشد، بلکه در تمامی زمینه ها با ورشکستگی مفضحانه ای روبرو بوده است.

۳- مبارزات توده ای علی رغم استمرار خود، فاقد سازماندهی و انجام است. پراکندگی در حرکات اعتراضی بعنوان عامل موثری قدرت رزمی توده ها را در مقابله با رژیم محدود کرده و به علت فقدان رهبری واحد و متمرکز هرگونه سازماندهی وسیع توده ای، بسط و گسترش در مرحله کنونی و با توجه به سطح مبارزات توده ها در مبارزات توده ای تعمیم نیافته و به شمار روز توده ها (شعاری که تبلور اهداف مبارزه کنونی در وجوه مشخصه آن باشد) بدل نگشته است.

بررسی مبارزات توده ها در شش ماه گذشته یکبار دیگر ضرورت سازماندهی این مبارزات و لیژوم رهبری انقلابی آنها را به عینه آشکار می سازد.

همانطور که قبلاً نیز در مقاله رنگی گل شماره ۳۳ گفته بودیم:

"ملما" بدون آن که این مبارزات اعتراضی در هم گره خورد و تحت هدایت یک قدرت متشکل توده ای قرار نگیرد و همچنان پراکنده هر چند با ابعاد گسترده ادامه پیدا کند، نهایتاً در نبودن آن عامل تداوم و قدرتمندی چنین مبارزاتی یعنی امر متفکک توده ای، نخواهد توانست به پیروزیهای پایدار در قبال سیاست های رژیم نائل آید. امروز باید تلاش نمود بر زمینه همین مبارزات اعتراضی و بر بستر موجودیت آنها هسته های اصلی تشکل توده ای برای هدایت آنها را ایجاد کرد که علاوه بر به ثمر رساندن اینگونه مبارزات اعتراضی تحت شعارهای مشخص و هدفمند انقلابی، خود این اعتراضات را به عامل قدرتمند در مقابله همه جانبه با رژیم جمهوری اسلامی در کردستان تبدیل ساخت."

کوشیده اند تا اهالی این منطقه را به نفع رژیم وادار به تسلیم نمایند. اما زحمتکشان این منطقه، در قبال این حرکات ارتجاعی رژیم دست به مقاومت زده و تن به چنیــــن سیاست هائیی نداده اند. مزدوران سرکوبگر، که در به تمکین و داشتن توده های اهالی از هیچگونه عمل جنایت آمیزی فروگذار نمی کنند، با توسل به شیوه های مختلف بر آنند تا به هر قیمت زحمتکشان روستاهای این منطقه را به تسلیم اجباری وادارند.

چندی پیش، بیش از هفتاد نفر از اهالی روستای "توجه" را که از صلح شدن به نفع رژیم اضناح ورزیده اند، دستگیر نموده و با هدف ایجاد تیزلزل در اراده آنها، به اذیت و آزارشان می پردازند.

در همین رابطه، مزدوران سرکوبگر، اهالی زحمتکش روستای "ترمنی" را مورد تهدید قرار داده و آزارشان خواسته اند که یا به نفع رژیم صلح شوند و یا اینکه روستا را تخلیه نمایند. مردم تمندیده این روستا، که به هیچ قیمتی حاضر نیستند به خواست ارتجاعی مزدوران تمکین کنند روستا را تخلیه کرده و به روستاهای اطراف پناه می برند.



و در اثر ضرب و شتم سرکوبگران تعدادی از اهالی صدمه می بینند و چهار نفر از آنان بی هوش، می شوند. اما اهالی همچنان صمم و استوار ایستادگی نموده تن به سیاست های مزدوران نمی دهند.

اعتراضات توده های علیه تسلیم اجباری

بوکان

چندی قبل، مزدوران سرکوبگر، در ادامه سیاست های ارتجاعی خود، با یورش وحشیانه به روستاهای "آق جوان"، "ارمنی بلاغی" و چند روستای دیگر، ضمن ارباب و تهدید اهالی این روستاها، مذبوحانه تلاش می کنند تا آنان را به نفع رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی وادار به تسلیم نمایند. سرکوبگران جنایتکار، هر چند که در پی این هدف ضد مردمی خود، زحمتکشان این روستاها را شدیداً مورد آزار قرار داده و به زور و سرنیزه ضومل می شوند، اما مردم دلاور این روستاها، ضمن مقاومت سرسختانه، نسبت به این عمل وحشیانه دست به اعتراض می زنند.

هدهوشار

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، جهت دست یابی به اهداف ضد انقلابی خود، مردم مناطق افشار را نیز تحت فشار قرار داده و با اعمال سیاست های سرکوبگرانه، مذبوحانه

ارومیه

چندی پیش، مزدوران سرکوبگر به منظور تسلیم اجباری توده ها، به روستاهای "بانسی و براسب" در منطقه "که لی" برده رهش بطرز وحشیانه ای هجوم می برند و از اهالی این روستاها می خواهند که به نفع رژیم صلح شوند. زحمتکشان این دو روستا، در برابر این خواست ارتجاعی دست به مقاومت می زنند. مزدوران، به منظور دست یابی به اهداف ضد انقلابی خود، به ارباب توده ها پرداخته و چهار نفر از اهالی زحمتکش روستا را دستگیر نموده و به پایگاه "سیرو" می برند، تا از این طریق توده ها را وادار به تسلیم نمایند. اما زحمتکشان این دو روستا به مقاومت خود ادامه داده و ضمن اعتراض به اقدامات وحشیانه مزدوران، از پذیرفتن خواست آنان اضناح می ورزند. سرکوبگران، در ادامه وحشیکهای خود، به اذیت و آزار و شکنجه روستائیان می پردازند و دست به هر عمل جنایت آمیزی می زنند، تا شاید توده ها را وادار به تمکین کنند. هر چند طی این اعمال وحشیانه

مهاباد

در تاریخ ۲۱/۷/۶۴ عده ای از جانش ها به همراهی پاسداران مزدور، به منظور تسلیم اجباری اهالی روستای "سراز" و "کلجلی" به این روستاها یورش می برند. اما اهالی زحمتکش این دو روستا، متحداً دست به مقاومت زده و نسبت به این حرکت مزدوران اعتراض می کنند. آنان در ادامه حرکت اعتراضی خود به شهر مهاباد می روند و با تجمع در مقابل ارگان های دولتی سیاست های ارتجاعی رژیم را محکوم می کنند.

سنندج

مزدوران سرکوبگر رژیم، جهت تسلیم اجباری، مردم زحمتکش منطقه "چمن نار" را نیز تحت فشار قرار داده و به اذیت و آزار آنها پرداخته اند. از جمله در این اواخر، با اعمال زور و

اجبار جنبش توده‌ای

تهدید علیه اهالی ستمدیده روستای "قره یان" و انجام همه گونه حرکات ایذائی نسبت به آنان، به عبت کوشیده اند تا آنان را وادار به تسلیم کنند. اما مردم زحمتکش روستا،

۲/۷/۶۴ اهالی روستا همگی تجمع نموده و قاطعانه به مزدوران اعلام می کنند که: هیچوقت حاضر به چنین کاری نیستیم و صلح نمی شویم. و به مقاومت یکپارچه خود ادامه می دهند. در این میان علی رغم تسلیم چهار پنج نفر از سرسپردگان رژیم با هدف تطمیع و ترفیب اهالی به تسلیم اجباری اهالی روستا مصمانه بکس مقاومت خود ادامه می دهند.

در مقابل این خواست ارتجاعی و ضد مردمی مزدوران مقاومت کرده و از تسلیم اجباری امتناع می کنند. سرکوبگران، با وجود آنکه از همکاری و کمک عناصر فرسود طلب و شورای فرمایشی اسلامی روستا نیز برخوردارند و از این طریق نیز در پی مقصود خود تلاش می کنند، اما کاری از پیش نبرده و نمی تواند خللی در تصمیم اهالی ایجاد کند. سرانجام در تاریخ

اعتراضات توده‌ای علیه سر باز گیری اجباری

دیوانه

مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در پی اهداف و سیاستهای ضد مردمی خود، و برای سر باز گیری اجباری اهالی روستای "کتبه" در منطقه "قره طوره" را تحت فشار قرار داده و مذبحخانه تلاش نمودند، تا فرزندان مردم زحمتکش اهالی را دستگیر و روانه پادگان ها و جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق نمایند. اما اهالی دلیر این روستا ضمن مقاومت یکپارچه خود، به این حرکت مزدوران اعتراض نموده و با حرکت تفریضی خود آنان را وادار به عقب نشینی می کنند.

سرکوبگران در تاریخ ۱۱/۶/۶۴ عده ای از جوانان این روستا را دستگیر و زندانی می کنند و فردای روز بعد یعنی ۱۲/۶/۶۴ در ادامه همین سیاست ارتجاعی و ضد مردمی خود، روستای فوق را به محاصره در می آورند و ضمن تیراندازی، برانند تا روحیه مقاومت جوانان روستائیان را درهم شکسته و آنان را به زانو در آورند. اما اهالی روستا، نسبت به این عمل مزدوران اعتراض نموده و دسته دسته به طرف پایگاه آنان می روند و در نزدیکی آن تجمع می کنند. سرکوبگران متفر در پایگاه، در برابر اعتراضات اهالی می گویند: "عده ای از شما سر بسازی نکرده اید و باید به سر باری

انقلابی مجبور به عقب نشینی می شوند و خطاب به توده ها مطرح می کنند که "از شما سر باز و سربازی نمی خواهیم، فقط سلاح ها را به افراد پایگاه برگردانید"

پروید. مردم روستا ضمن آنکه بر شدت اعتراضات خود می افزایند، ضد و یکپارچه در جواب مزدوران اعلام می دارند که: "سربازی نمی کنیم و حاضریم چنین کاری نیستیم". مزدوران سرکوبگر، ناتوان در مقابل اتحاد و یکپارگی اهالی، اقدام به تیراندازی می کنند که بر اثر آن یک نفر از اهالی زخمی می شود. زحمتکشان روستایی، با دادن شعار علیه مزدوران رژیم، و با خشم و کینه عمیق، به طرف پایگاه حرکت می کنند و به آن نزدیک می شوند زنان زحمتکش روستا، با شجاعت هر چه تمامتر، خود را بکس سیم های خاردار دور پایگاه می رسانند. مزدوران سرکوبگر متفر در پایگاه، در وحشت و هراس از یگانگی اهالی، سنگر گرفته و پی در پی از پایگاههای اطراف تقاضای نیروی کمکی می کنند. مردم روستا، موکداً خواست آزادی دستگیر شدگان می شوند. زنان دلاور به داخل پایگاه نفوذ کرده و دیگر اهالی روستا نیز خود را به داخل پایگاه می رسانند. درگیری شدید میان مردم زحمتکش روستا و سرکوبگران آغاز می شود. توده های اهالی، در نهایت کین و نفرت به مزدوران حمله ور می شوند و خشم انقلابی خود را نثار آنان می کنند. در عین حال، عده ای دیگر از زحمتکشان روستا، سریعاً خود را به زندان پایگاه رسانده و با شکنجه و زندان، دستگیر شدگان را آزاد می کنند. مزدوران، برای جلوگیری از حرکت انقلابی توده ها، اقدام به تیراندازی می کنند، اما توده ها در ادامه حرکت اعتراضی و طوفانده خود، تعدادی از مزدوران را خلع سلاح می کنند. سرکوبگران که اوضاع را بر این منوال می بینند، در هراس از عقب یابی این حرکت

ارومیه

در تاریخ ۲۹/۶/۶۴ عده ای از پاسداران سرمایه با همدستی جاشی های مزدور و خود فروش به منظور سر باز گیری اجباری، به روستای "مکان" در منطقه "مرگور" یورش می برند. جوانان این روستا، قبل از رسیدن دشمن و پیش از آنکه نسبت مزدوران بانان برسد، به ضد کوه های اطراف، از روستا خارج می شوند. مزدوران که تلاش های مذبحخانه خود را بی ثمر می بینند، به شکل جنین آمیزی از راه دور به سوی جوانان تیراندازی می کنند و یک نفر را زخمی می کنند و سپس ضمن بی حرصی به اهالی، به ادیت و آزار آنان می پردازند.

همچنین در تاریخ ۳۱/۶/۶۴ روستاهای "شیخ زید" و "جیزان" در منطقه "مرگور" به همین منظور مورد یورش و خشونت مزدوران واقع می شود. جوانان روستا، به جز چند نفر که دستگیر می شوند، بقیه موفق به فرار از چنگ مزدوران می گردند. بدنبال این حرکت ارتجاعی مزدوران و دستگیری جوانان، اهالی روستا دست به اعتراض می زنند و به ویژه زنان زحمتکش روستا با حمله به مزدوران و سنگباران کردن آنان، ضمن شکنجه و تفتنگ یکسری از مزدوران، موفق می شوند، دستگیر

اخبار جنبش توده‌ای

شدگان را از جنگ آنان در آورده و سرکوبگران را از روستا بیرون رانند.

مهاباد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در تاریخ ۶۴/۷/۲۱ با کسب مستون نیروهای سرکوبگر خود به روستاهای "چوم مجید خان" شامط و قسمی از "محل

آختاجی، مهاباد" هجوم وحشیانه‌ای را آغاز می‌کنند و با به محاصره در آوردن روستاها، دست به سرکوبگری وسیعی در این منطقه می‌زنند.

مزدوران رژیم، که از مقاومت و اتحاد مردم این منطقه و حمایت فعال آنان از جنبش انقلابی خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آن، اطلاع دارند، و همچنین نفرت و کینه عمیق آنان را نسبت به خود دریافته‌اند، با توسل به این شیوه سرکوبگرانه و با بسیج گسترده نیروهای مزدور خود، ضمن ایجاد جو ترس و وحشت در میان اهالی، عده‌ای از جوانان را بازور و تهدید دستگیر نموده، روانه پادگانها و جبهه‌ها می‌کنند.

سیاست آزار و اذیت زحمتکشان

فصلنامه ترس و ترسناکی رژیم

در مقابل

جنبش انقلابی خلق کرد است!

روستاهای "آلاوا" کویستان و میرگه قوری مورد هجوم وحشیانه مزدوران قرار می‌گیرد. سرکوبگران، ضمن آزار و اذیت اهالی این روستاها درخواست زکات و "آجاره" و... می‌کنند.

در تاریخ ۶۴/۷/۴ عوامل مزدور رژیم به روستای "سیسر" و "نستان" حمله می‌برند. سرکوبگران ضمن آزار و اذیت زحمتکشان، آتبارهای علوفه دام‌ها و احشام روستای "نستان" را به آتش می‌کشند. همچنین به منظور ایجاد پایگاه در روستای "سیسر" چند خانواده از این روستا را وادار به تخلیه خانه‌های خود می‌کنند و به تهدید اهالی جهت برجیدن اقل‌ها در روستا می‌پردازند.

هه و شار

بدنبال ضربات کاری که پیشمرگان قهرمان خلق کرد در تاریخ

یازدهم مه‌ماه به مزدوران سرکوبگر رژیم در روستای "باغلوچه" وارد می‌نمایند. سرکوبگران روز ۶۴/۷/۱۲ ناتوان از مقابله با پزندگان، و در جریان ضربات آنان، روستای فوق را محاصره نموده و با یورش وحشیانه خود به آذیت و آزار اهالی می‌پردازند. مزدوران طی این هجوم وحشیانه خود و ایراد ضرب و شتم نسبت به اهالی، دوتن از آنان را دستگیر کرده و همراه خود می‌برند که پس از مدتی یکی از آنان آزاد می‌شود.

پیرانشهر

در تاریخ ۶۴/۶/۲۵ مزدوران جیره‌خوار و مسلح رژیم، به روستاهای "خرابه" و "خری برد" آنان حمله برده و با اعطال زور و سرکوب، موجب آزار و اذیت اهالی می‌شوند. چهار نفر از اهالی که شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند، به شدت زخمی می‌شوند. مزدوران سرکوبگر، به این درجه از سبعیت و وحشیگری اکتفا نمی‌کنند، پس از ایزین حرکت ارتجاعی، روستای "خرابه" را با کمال بیرحمی به تسبی و خیاره می‌بندند که بر اثر آن، اضافه بر آنکه خسارات مالی فراوانی به اهالی زحمتکش تحمیل می‌شود، ضجر به زخمی شدن دونفر دیگر از روستائیان می‌گردد. اهالی این روستا در اعتراض به این جنایات و وحشیگریهای مزدوران، بصورت دسته جمعی به شهر پیرانشهر رفته و با تجمع در مقابل مقر سپاه پاسداران، کین و نفرت خود را نسبت به دژخیمان سرکوبگر به نمایش می‌گذارند.

همچنین در تاریخ ۶۴/۶/۲۹ عده‌ای از مزدوران مسلح رژیم در روستای "دوله گویزان" به طرز جنون آمیزی به طرف اهالی تیراندازی می‌کنند، که بر اثر این عمل وحشیانه، یک زن جان خود را از دست می‌دهد.

در تاریخ ۶۴/۷/۱ گروهی از مزدوران سرکوبگر به روستای "بادینسای" وحشیانه

ربط

در تاریخ ۶۴/۶/۲۹، جاشهای مزدور، روستای "شغیل" در منطقه "گور موسی" را مورد هجوم وحشیانه خود قرار می‌دهند، و ضمن دستگیری یک نفر از اهالی، به آذیت و آزار دیگر روستائیان می‌پردازند. روستائیان زحمتکش، در اعتراض به این عمل وحشیانه، دست به تظاهرات زدند با دادن شعار علیه رژیم و سرکوبگران مزدور، آنان را وادار به آزادی فرد دستگیر شده می‌کنند.

در تاریخ دوم مه‌ماه نیز، جاش‌های خود فروخته، اقدام به مین‌گذاری در جلو خانه یکی از اهالی زحمتکش روستای "قلانسیان" می‌کنند، که انفجار آن، منجر به قطع پای صاحب‌خانه می‌شود.

همچنین هفته اول مه‌ماه،

☆ اخبار جنبش توده ای

هجوم می برند و ضمن اذیت و آزار اهالی این روستا ، اقدام به تیراندازی می کنند که بر اثر آن یک نفر از روستائیان زحمتکش زخمی می شود . مزدوران همچنین در تکمیل اعمال جنایتکارانه خود ، یک انبار آذوقه زمستانی را به آتش می کنند .

همچنین در تاریخ سیزدهم مهرماه ، جاش های خود فروخته ، روستای " سیلوی " را مورد حمله وحشیانه خود قرار داده و به آزار و اذیت روستائیان می پردازند و نسبت به زنان و دیگر اهالی بی حرمتی می کنند که با اعتراض خشمگینانه اهالی مواجه می شوند .

مربوان

مزدوران سرکوبگر رژیم ، در جهت کنترل و هر چه محدودتر نمودن توده ها ، شهر مربوان را به شدت زیر کنترل و بازرسی قرار داده اند . بویژه از طریق کنترل وسایل نقلیه در محل دروازه شهر ، و با تفتیش وسایل مسافری و حتی خود مسافری ، موجب اذیت و آزار مردم شده اند . چندی پیش یکی از رانندگان نسبت به این عمل مزدوران اعتراض می کند ، که دیگر رانندگان و مسافری به حمایت و پشتیبانی از فرد اعتراض کننده برمی خیزند .

مهاباد

در تاریخ ۲۶/۲/۶۴ ، طی یک عمل وحشیانه ، به روستای " اصحاب " توسط سرکوبگران مستقر در " میره سی " به تیر و خمپاره بسته می شود که در اثر آن ، ضمن آنکه آسیب فراوانی به ساکن مسکونی روستائیان وارد می شود ، بیش از ۸۰ پایی از احشام اهالی نیز تلف می گردد . مردم زحمتکش روستا در اعتراض به این حرکت ارتجاعی ، با مراجعه به گردان " میرسه " خواستار جبران خسارات وارده می شوند . مزدوران در نهایت بیشرمی در

جواب اهالی اعلام می دارند که خسارات را باید از " ضد انقلاب " بخواهید .

همچنین ، مزدوران رژیم در پی اهداف ارتجاعی خود ، و برای وادار کردن اهالی به ترک روستاها ، از مدتی پیش زحمتکشان روستاهای منطقه " منگور " را تحت فشار قرار داده و با اعمال زهر و آزار ، و تهدید به تخریب و آتش زدن خانه ها ، مذبح خانه کوشیده اند ، تا روستائیان را وادار به کوچ کنند . این مزدوران از جمله اهالی روستاهای " بیبتگون " و " حسن چسپ " را تهدید نموده اند چنانچه روستای خود را تخلیه نکنند ، خانه های آنها را با یولدوز ویران کرده و با خاک یکسان خواهند کرد . اهالی زحمتکش و رنج دیده این روستاها در اعتراض به این سیاست های سرکوبگرانه و تهدید آمیز ، به شهر مهاباد می روند . اما مزدوران رژیم در شهر نیز نسبت به خواسته و اعتراض اهالی اعتنائی ، نمی کنند .

در همین رابطه ، چندی پیش نیز جاش های مزدورو خود فروخته ، خانه یکی از اهالی زحمتکش روستای " چومان " را به آتش می کنند ، و این درحالیست که هلی کوپترهای نظامی رژیم ، برای ایجاد جو ترس و هراس بیشتر ، و برای وادار نمودن اهالی به تحکین برخواست های ارتجاعی خود ، بر فراز آسمان روستای پسرآز در آمده ، و ارتفاعات آنرا به راکت و مسلسل می بندند .

سردشت

مزدوران سرکوبگر به همراهی جاش های خائن و خود فروخته ، اهالی منطقه " بازار سردشت " را تحت فشار قرار داده و با توسل به زور و تهدید ، به اخذی از زحمتکشان این منطقه پرداخته اند . در تاریخ ۲۶ و ۲۷ مهرماه ، روستاهای " زار زوکله " و " گولگه ره " مورد یورش این غارتگران واقع گشته و اهالی ستمدیده روستا ، مورد اخذی و تالانگری قرار می گیرند .

همچنین در تاریخ ۳/۲/۶۴ ، مزدوران مسلح رژیم ، روستاهای " پیوران " و " باوی " را مورد یورش قرار داده و به طرز

وحشیانه ای به ضرب و شتم زحمتکشان این روستاها می پردازند . این حرکت وحشیانه مزدوران ، که در انتقام و جبران خسارات و تلفات ناشی از حملات انقلابی پیشروگان قهرمان خلق کرد صورت می گیرد ، منجر به زخمی شدن چند نفر از اهالی و دستگیر شدن تعداد دیگری از آنها می شود .

سرکوبگران مزدور ، که در انجام اعمال جنایتکارانه ، هیچگونه حد و مرزی برای خود قائل نبوده و نیستند ، در یکی دیگر از روستاهای شهر سردشت ، به جنایت دیگری دست زدند .

در تاریخ ۱۴/۲/۶۴ ، مزدوران مستقر در پایگاه روستای " وردی " به شکل جنین آمیزی به طرف دو زن اهل این روستا تیراندازی می کنند ، که بر اثر این عمل جنایتکارانه یک نفر از آن زخمی و دیگری به شهادت می رسد .

اشنویه

در تاریخ ۱۹/۲/۶۴ خائنین مزدور ، بمنظور آزار و اذیت مردم ، به روستای " تازه ندی " هجوم می برند و وحشیانه به جان اهالی این روستا افتاده و به ضرب و شتم آنان می پردازند . مزدوران همچنین به طرف چند نفر از اهالی ، که از سرکار برمی گشتند شلیک می کنند و در کمال بیرحمی یک نفر از آنان را به قتل می رسانند .

همچنین در تاریخ یازدهم مهرماه ، سرکوبگران به روستاهای " زندان " و " میرای " یورش می برند . اقدامات مزدوران در جهت آزار اهالی ، با اعتراض شدید و مقاومت کلیه روستائیان مواجه می شود .

ارومیه

در تاریخ دوم مهرماه ، عده ای از جاش های مزدور ، بمنظور کسین گذاری برای پیشمرگان مبارز خلق کرد ، به روستای " شیرگان " یورش برده و آنرا محاصره می کنند و سپس به خانه گردی می پردازند . مزدوران ، ضمن آزار اهالی و تفتیش خانه ها ، جوانی را که در یکی از این خانه ها پنهان شده بود دستگیر می کنند . این جوان که به خاطر

اجبار جنبش توده‌ای

تن ندادن به سیاست‌های ضد مردمی مزدوران، از روستای دیگری همراه با مادر خود به شیرکان آمده بود، توسط مزدوران جنایتکار در جلو چشم اهالی به شهادت می‌رسند. مادر این جوان با دیدن صحنه، خود را روی فرزندش می‌اندازد، که جنایت پیشگان بسی شرم‌ناک و قاحت به طرف او نیفتاد و تیراندازی نموده و او را زخمی می‌کنند.

دیواندره

اخیراً روستاهای دیواندره نیز از سوی مزدوران سرکوبگر، به شکل وسیعی مورد هجوم واقع گشته و سرکوبگران غارتگر، با اعمال زور و تهدید، در ایام گذشته تری به اخاذی از اهالی این روستاها پرداخته‌اند.

در اواسط ماه گذشته، دوتن از مزدوران رژیم به روستاهایی "عزیزآباد" و "هوبه‌تو" می‌روند، و پس از آزار و اذیت اهالی، با زور و تهدید از مردم پول می‌گیرند. همین مزدوران از دو نفر روستایی اهل "قصر گروس" نیز با توسل به زور اسلحه، پول گرفته‌اند.

همچنین این مزدوران به قصد اخاذی و دزدی به روستای "قلاکون" می‌روند، اهالی روستا به این مزدوران

مهل ندادند و پیش از آنکه دست به هرگونه حرکتی بزنند، آنان را دستگیر نموده و تحویل پایگاه روستا می‌دهند. مزدوران دستگیر شده، اعتراض می‌کنند که از جانب سپاه پاسداران دیواندره چنین مأموریتی داشته‌اند. در همین رابطه، سپاه پاسداران دیواندره، پسر از اطلاع از دستگیری این افراد، به فرمانده پایگاه روستا دستور می‌دهد که افراد دستگیر شده را آزاد کنند.

در تاریخ ۲۴/۷/۶۴ نیز، عده‌ای از جاش‌های خودفروخته به روستای "دهره تفسی" می‌روند و با اعمال زور و تهدید از اهالی روستا مبالغی پول می‌گیرند.

همچنین اهالی روستای "میشاو" و "قره زنگی" نیز از جانب مزدوران غارتگر مورد اذیت و آزار واقع شده‌اند. سرکوبگران از اهالی زحمتکش این روستا نیز بزور پول گرفته‌اند.

همچنین تعدادی از جاش‌های مزدور، در جاده اصلی مقصد دیواندره، جلو مائل نقلیه را می‌گیرند و از صافترین اخاذی می‌کنند. مزدوران جنایتکار، چنانچه مائل نقلیه توقف نمی‌کردند، با تیراندازی آنها را وادار به توقف نموده و از آنان پول می‌گرفته‌اند. این راهزنی مزدوران در نزدیکی یکی از پایگاه‌های سرکوبگران بنام "متسه" صورت می‌گیرد. سرکوبگران مستقر در این پایگاه که صدای تیراندازی را می‌شنیدند هیچ عکس‌العملی نشان ندادند و در واقع همدستی خود را با غارتگران راهزن بر ملا کردند.

بسردهشت

در تاریخ ۲۴/۷/۶۴ روستای "بهوران" از روستاهای سردهشت، توسط نیروهای عراقی و بسیاری چندمین بار، توپ و خمپاره باران شد که بر اثر آن، خسارات زیادی به اهالی این روستا وارد شد و یک زن روستایی جان خود را از دست داد.

پیرانشهر

جندی قبل روستای "بن دری" نیز توسط نیروهای عراقی به توپ و خمپاره بسته شد که در اثر آن اهالی روستا

دو خبر از :

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

جنگ ارتجاعی ایران و عراق، علی‌رغم بن بست که دچار آنست، همچنان ادامه دارد، و هر روز قربانیان جدیدی را بکام خود می‌کشد، ویر فخر و فلاکت توده‌ها می‌افزاید. این جنگ ارتجاعی و نفرت‌انگیز، که از همان اوایل ابعاد دامنه تخریبی و نکبت‌بارش کردستان خونین را نیز در بر گرفت، هم‌اکنون نیز در ادامه جنون آمیز با زهم برای خلق کرد گسترار و ویرانی بیار می‌آورد.

اواسط ماه گذشته نیز دوتن از جاش‌های مزدور، به خانه یکی از زحمتکشان روستایی "هوبه‌تو" رفته و بعد از آزار و اذیت ساکنین خانه، با زور و تهدید جلفی پول اخاذی می‌کنند. اهالی روستا که از این مسئله اطلاع می‌یابند، در صدد دستگیری جاش‌ها برمی‌آیند. اما دو جاش مزدور موفق به فرار می‌شوند. روز بعد اهالی روستا، که راهزنان خائن را شناخته‌اند، با تجمع در جلو مقر سپاه، خواستار دستگیری آن‌ها می‌شوند. آنان حتی اسامی این مزدوران را به فرمانده سپاه گوشزد می‌کنند. اما فرمانده سپاه، ضمن تهدید اهالی، به گفتن اینکه "این کارها در اسلام حرام است" اکتفا می‌کند.

اواسط ماه گذشته، سرکوبگران مستقر در پایگاه "زینه" در محور جاده "مقز" - دیواندره، با همکاری شورای اسلامی روستای "زکبه" که در نزدیکی پایگاه مذکور قرار دارد، فرود جاش‌های را دستگیر نموده و سپس به سختی و به طرز وحشیانه‌ای او را شکنجه و آزار می‌دهند. تلاش اهالی متعرض روستا برای نجات فرود دستگیر شده به جایی نمی‌رسد و نامبرده در اثر شکنجه‌های جیره خواران رژیم بعد از سه روز جان خود را از دست می‌هد.

همچنین در تاریخ دوم شهریور ماه، مزدوران رژیم به خانه یکی از اهالی زحمتکش روستای "شیخه بره" نارنجک می‌اندازند. صاحب‌خانه در اعتراض به این عمل جنایتکارانه به مقصد سپاه مراجعه می‌کند. اما سرکوبگران در پاسخ او می‌گویند "هرگاه او را گرفتید می‌توانید شکایت کنید".

ضطل خسارات فراوانی شدند.

همچنین روزهای نوزدهم و بیستم مهرماه، برای چندمین بار، شهر پیرانشهر، توسط نیروهای عراقی، توپ و خمپاره باران شد، که بر اثر آن چندین خانه بازگسی ویران شد و به اساکسن مسکونی نیز آسیب فراوانی رسید و خسارات مالی سنگینی به اهالی این شهر وارد آمده، و همچنین ۳۴ نفر از اهالی شهر تیرانسی این حرکت ارتجاعی و نیز سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی شده و جان خود را از دست دادند.

راه کارگر . . .

از صفحه ۲۲

نایل آید . اما نه تکرار اتهامات و نه تحریف واقعیات و نه هیچکدام از آرزوهای برباد رفته راه کارگر و تخیلات ذهن وارفته او در زمینه "انتساب وارفتگی تشکیلاتی به طرف مقابل، و نه صفحه سیاه کردن بنای پرطول و تفصیل پرنسیب شکنانه او، هیچکدام گسک چندانی به موضوع راه کارگر نکرده است . بالاخره او مجبور شده است بازهم به تکرار آنچه که ما بعنوان خط و موضعی در نیاله روانه او در جنبش انقلابی خلق کرد تاکید کرده بودیم، بپردازد و ضمن دفاع شتابزده از این مواضع ، به افشای هر چه بیشتر آنها دست یازد .

در این دفاعیات شتابزده ، راه کارگر به با پافشاری هر چه عریاتر بر مواضع اکنومستی اش بر صحت نقد ما از مواضع راه کارگر صحه گذاشته است . او ضمن بیس و تابه های معمول خود ، دیدگاههایش را در زمینه درک از مساله ملی و اساساً " مبارزه طبقاتی و ایجاد تقدم و تاخر مکانیکی در آن به نمایش گذاشته است .

راه کارگر علیرغم اینکه طرح می کند . هر چه طبقه کارگر بر روی سیاستهای خود پافشاری نموده و آن را به پیش برد، جنبش انقلابی کردستان رادیکالتر خواهد شد

(ریگای گریکار؛ ۲، ص ۱۲)
اما بازهم در دفاعیات خود روشن می سازد که در واقع هیچ درکی از سیاست مستقل پرولتاریا در انقلاب ندارد و در نتیجه نمی تواند هیچ تاثیر شخصی نیز به پرولتاریا ارائه دهد . راه کارگر درک نمی کند که صرفاً با نوشتن " هر چه طبقه کارگر بر روی سیاستهای خود پافشاری نموده و آن را پیش برد . . . استقلال سیاستهای پرولتاری می شخص نمی شود ، سیاستهای پرولتاری تنها با " تعیین دقیق

مشی مستقل مشخص می گردد، و این چیزی است که راه کارگر ارائه نمی دهد .

راه کارگر بازهم با ارائه تحلیلی نهی از ضمن طبقاتی ، و با گفتن اینکه " پایبندی به واقعیات این مبارزه و درک غلبه مساله ملی بر جنگ طبقاتی و تبعیت از الزامات چنین امری نه تنها از نقطه نظر منافع طبقه کارگر نسبت به مساله ملی برخوردار نمی کند بلکه از هرگونه سیاست مستقل پرولتاری دست می شوید و بازهم تکرار می کند : " در چنین شرایطی معیار سنجش ما در پیشرفت و جهه طبقاتی باید تقدم وجه ملی باشد " (ریگای گریکار؛ ۲، ص ۱۲)

و در ادامه همدا با ناسیونالیست های بورژوا فریاد می زنند - ما می گوئیم نباید جنبه ملی را مصنوعاً به جنبه طبقاتی غلبه داد، (آنها تحت الشعاع جنبه طبقاتی قرار داد)

(ریگای گریکار؛ ۲، ص ۱۳)

آری راه کارگر با درک " غلبه " مساله ملی بر جنگ طبقاتی ، فریاد می زند نباید جنبه ملی را تحت الشعاع جنبه طبقاتی قرار داد ، او هرمان از تشدید تضادهای طبقاتی و در ترس از دست دادن منافع انی خود نه تنها از سیاست مستقل پرولتاریا که همانا تبعیت مساله ملی از منافع مبارزه طبقاتی است عدول می کند بلکه به آشکارترین شکلی به ناسیونالیسم بورژوازی می گروید . برخلاف تصور راه کارگر پرولتاریا در رابطه با مساله ملی ، " تامین تکامل طبقه خود " و تحکیم طبقه خویش برضند بورژوازی " و تربیت توده ها با روح دمکراسی پیگیر و سوسیالیسم مهم ارزیابی می کند . اما این بورژوازی است که در برابر این تکامل تولید اشکال می نماید و می گوئد وظایف آن را تحت الشعاع وظایف ملت خود قرار دهد . لکن در ملاحظاتی انتقادی درباره مساله ملی با دفاع از پیشبرد سیاست مستقل پرولتاری می نویسد :

" ناسیونالیستهای بورژوا می گویند که امر ملی در درجه اول و امر پرولتاریا در درجه

دوم قرار می گیرد و یورکویچ ها و دستف ها و دیگر مازکیست بعد از اینها نیز آن را تکرار می کنند . ما می گوئیم امر پرولتاریا باید مقدم باشد ، چرا که نه تنها منافع مداوم و پایه ای کارگر و بشریت ، بلکه منافع دمکراسی را نیز حمایت می کند و بدون دمکراسی نه یک اوکراین خود مختار قابل تصور است و نه یک اوکراین مستقل

(ص ۲۴)

اما راه کارگر قسم خود ماست کا با ارجح دانستن جنبه ملی مبارزه بر جنبه طبقاتی آن ، " منافع مداوم و پایه ای " طبقه کارگر را قربانی منافع انی راه کارگر گرداند . منافع انی ای که در تبعیت از ناسیونالیسم بورژوازی در کردستان بر آورده می شود . البته راه کارگر به همین هم بسنده نمی کند او می خواهد در زمینه تئوریک نیز این تبعیت را بعنوان وظیفه طبقه کارگر نسبت به جنبش انقلابی کردستان جا بزند . راه کارگر با تاکید مکرر بر اینکه " طبقه کارگر نباید مصنوعاً به غلبه دادن وجه طبقاتی بپردازد و باید از آنچه در واقعیت وعمل

مقدم است شروع کند ؟ (تاکید

از ما) کهنه تفکرات اکنومستی خود را عیان می سازد . در واقع بدینوسیله راه کارگر وظایف پیشروان جنبش طبقه کارگر را سطح پسروان و نیاله روان جنبش خود بخودی تنزل می دهد . رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا و مشکل کردن این مبارزه را تا سطح " از آنچه در واقعیت وعمل مقدم است " پائین آورده و دیدگاه اکنومستی خود را در زمینه برخورد به مسائل سیاسی اجتماعی جامعه بعینه به نمایش می گذارد . اکنومستهای راه کارگر برآنند ، از آنجا که مساله ملی عمده است بیس و وظیفه پیشرو نیز باید شناخت این امر و تمرکز فعالیت خود بر روی آن و " تبعیت از الزامات چنین امری باشد . این مدعیان دروغین جنبش پرولتاری در واقع همانند سواد مند قلمداد می کنند که ممکن است و مبارزه ای هم که ممکن است در لحظه کنونی

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

راه کارگر...

جریان دارد. پس طبقه کارگر نباید مسئله ملی در کردستان را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد و بدون آنکه با چشم اندازی روشن و با نقشه و اهداف مشخص طبقاتی از جنبه های صرفی جنبش ملی پر کردستان پشتیبانی کند، منافع اساسی پرولتری خود را فدای وضعیت موجود در کردستان نماید. البته "تئوری مراحلی" راه کارگر به همین جا ختم نشده و دیدگاههای فرصتی آن در ادامه بحث و در جملات نویین به عریان ترین شکلی نمایان می شود:

... تاکید کهنیتها بر وجه طبقاتی بدین معناست که مسئله دمکراسی (در سراسر ایران) و مسئله ملی (در کردستان) کانال پیشبرد مبارزه طبقاتی است. گره وجه طبقاتی مبارزه از طریق تمرکز بر روی این وجوه است که شروع به باز شدن می نماید و از این رو باید از این مسائل (دمکراسی در ایران و مسئله ملی در کردستان) آغاز کرد"

(همانجا ص ۱۸)
آری راه کارگر که جز دنباله روی از جنبش خود بخوبی، سرفروغ آوردن در برابر آن، تعیین روش خود از واقعاتی تا واقعه دیگر و نزول نقش پیشرو تا سطح عقب مانده ترین توده ها رسالتی برای خود قائل نیست، این بار با تمرکز شدن بر روی "دمکراسی در ایران و مسئله ملی در کردستان" سیاست های خود را با سیاست های بورژوازی انطباق کامل می دهد.

تمام دیوار چین کشیدن های راه کارگر بین وضعیت موجود و هدف نهایی برای فرموله کردن این تئز عقب مانده و آکونومیستی بود: "در این وضعیت این مبارزه و این وظیفه، در آن وضعیت آن مبارزه و آن وظیفه" تا بدانجا که امروزه "دمکراسی در ایران و مسئله ملی در کردستان" را سر-لجه یلاتفرم سیاست های فرصتی خود قرار می دهد.

در واقع مارتینف های راه کارگری معتقدند که مسئله دمکراسی در ایران و مسئله ملی در کردستان کانال پیشبرد مبارزه طبقاتی است. ایمن

اکونومیست ها قضیه را اینطور تصور می نمایند که کمونیست ها نخست باید روی مسئله دمکراسی در ایران و مسئله ملی در کردستان تمرکز شده و آگاهی طبقاتی و سیاسی کارگران را از درون همین مبارزه (دمکراسی و ملی) و بر سر منهای این مبارزه و با اتکا به این مبارزه توسعه دهند و نخست بر محور (مسئله دمکراسی و ملی) برای خود (بخوان برای سیاست فرصتی خود) تجمع قوا نمایند و بعد از قرار معلوم از مرحله ی سروروش روح فعالیت به شیوه فرصتی به فعالیت بشیوه سوسیال دمکراتیک بپردازند!

البته در سراسر دفاعیه راه کارگر تئوری پارکمیستی مبارزه طبقاتی کلا به فراموشی سپرده شده است. تحلیل راه کارگر از ماهیت نیروهای سیاسی نیز یک گام هم از همان سطح مورد نظر راه کارگر فراتر نرفته است و از اساس فاش پرنسیپ است. راه کارگر در تحلیل از ماهیت نیروهای سیاسی می نویسد:

"گرچه (این "گرچه" را خواننده خوب بخاطر بسپارد) در تحلیل نهایی ماهیت طبقاتی نیروها تعیین کننده سیاستشان می باشد اما (این از آن اماهاست، تعجب نکنید) آن گرچه این اما را هم باید پشت سر داشته باشد) در مقطع همین سطح گیری های ایمن نیروها با آن ماهیت تطابق - النعل بنعل ما یکی نبوده و یکی دیگر از عناصری که در بررسی سیاست نیروها در مقطعی باید مورد توجه قرار گیرد، منافع آنها در این مقطع است" (ریگای کریکار ۲۵ ص ۱۵)

راه کارگر، علیرغم اذعان اپورتونیستی به ماهیت طبقاتی نیروها در تعیین سیاست هایشان با آوردن شرط "گرچه" راه را برای معلق کردن این اصل و یاد رهوا نمودن آن، و درست به دنبال "امای" شجره بینی معروف خود، بازمی گذارد تا ثابت کند ماهیت طبقاتی، چندان هم در "مقطع معین تعیین کننده سیاست های نیروها نیستند."

عیان تر از این نمی توان به لیرالیم گروید! راه کارگر این بار برای آن که دیدگاه اکونومیستی خود را به همه عرصه های سیاسی و اجتماعی بسط دهد، چنین ظمداد می کند که گویا از ایمن

واقع تا واقعه دیگر و از این مقطع تا مقطعی دیگر، در برابر نیروهای سیاسی و تشخیص سیاست های آنها می توان تغییر موضع داد و ریشه های گرایشات مختلف را در ورای منافع طبقات جستجو کرد. راه کارگر درک نمی کند اگر نشان ندهد که منافع چه طبقاتی و چه منافع خاصی در تعیین ماهیت احزاب مختلف و سیاست هایشان در حال حاضر نقش غالب دارند، در واقع تشریح مبارزه طبقاتی را رد کرده است. یک مارکسیست در هر شرایطی باید روشن سازد که حرفها و برنامه های یک نیروی سیاسی سرانجام در خدمت منافع مادی کدام طبقه قرار می گیرد.

اما درک این مسائل توسط راه کارگر که با پارکمیسم بیگانه می باشد مشکل است مبعثر آنکه منافع راه کارگر ایجاب نمی کند که تحلیل روشنی از ماهیت نیروها ارائه دهد، چرا که در آن صورت مجبور می شود روشن سازد که سرانجام نه تنها این یا آن نیرو بلکه قبل از همه خود راه کارگر را منافع چه طبقه یا قشری را نمایندگی می کند و سیاستهای آن در خدمت منافع کدام طبقه یا قشری قرار می گیرد.



انگیزه شماره ۳۴
تیرماه ۱۳۴۲
مجله چریکهای فدایی خلق ایران

ارزیابی از وضعیت کنونی (بحران انقلابی)

باز هم درباره مبارزه مسلحانه و جنگ و انقلاب

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

دمکراسی در ایران و دمکراسی انگلیسی

برای برابری مصلحت در برابر مصلحت، مصلحت را کنار بگذارید.



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

خطاب به کارگران

درباره شوراهای اسلامی کار رژیم جمهوری اسلامی

کارگران مبارز ایران :

رژیم جمهوری اسلامی بدنحال بورژوازی حاکم علیه تشکلهای واقعی کارگری و محروم ساختن شما کارگران از سازمانها، منفی و مستقل خود، هجوم و حشبانده دسری را علیه شما آغاز کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی با لگدکوب کردن همگی دستاوردهای انقلابی شما و به منظور تشدید هرچه بیشتر استثمار و به شکست کشیدن مبارزات طولانی کارگران ایران، تلاش دارد فوق ارتجاعی ترین و فاشیستی ترین سیاستهای ضد کارگری را در کارخانه ها بکارگیرد. رژیم جمهوری اسلامی در هر اس از اوج کبیسری مبارزات نهرمانانه شما کارگران، قصد دارد با برپائی و تشکیل شوراهای اسلامی کارخانه ها، سرکوب دهشتناکه خود شکل سازمان یافته تری بدهد!

رژیم جمهوری اسلامی شبیه نیم شهریورماه از زمان وزیرکار مرتجع خود اعلام کرد شوراهای اسلامی کار بر طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی، سه زو دی در کلیه واحدهای تولیدی کشور تشکیل خواهند شد.

شوراهای اسلامی کار که قانون آن در زمستان گذشته توسط شورای نگهبان نظم ارتجاعی حاکم به تصویب رسیده و برای اجرا بدولت واگذار شده است بکارگران ارتجاعی دولتی، چشم و گوش سرمایه داران و درحقیقت یکی از ارگانهائی اصلی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در کارخانه ها است!

شوراهای اسلامی کار، همانطور که وزیر کار رژیم اعتراف دارد، در درجه اول وسیله ای است برای جلوگیری از اعتراضات شما کارگران، سرکوب مبارزات اجتماعی و ابزار باز دارنده حرکت انقلابی در کارخانه های ایران.

وظایف این شوراهای کار و وزیرکار ارتجاعی در سخنرانی اخیر خود چنین تشریح می کند :

شوراهای اسلامی کار در همان تنگی با مدیریت قادر خواهند بود تولیدات را بالا ببرند. شوراهای اسلامی کار از اخلاص و شایعائی که ممکن است در واحدهای مختلف تولیدی بروز کند، جلوگیری می نمایند. شوراهای اسلامی کار موجب تقویت مدیریت در واحدهای تولیدی خواهند شد.

کارگران مبارز ایران!

همانگونه که خود سران مرتجع جمهوری اسلامی علنا و آشکارا اذعان دارند، شوراهای اسلامی کار ابزار سرکوب و عامل سنگبری و استثمار هرچه بیشتر سرمایه داران در کارخانه ها هستند. علیه این ارگانه ها بیخیزید و نگذارید چنین ارگانه هایی در کارخانه های شما در آن کارمکنید یا بگیرند! برخیزید و همانگونه که طی نزدیک به هفت سال حکومت ننگین رژیم جمهوری اسلامی مانع از تشکیل این ارگانه ها شده اید، هم اکنون نیز با مبارزات بسی - امان خود آخرین شکر رژیم را با شکست قطعی روبرو سازید! تنها مانع بیروزی شما تشکل و حرکت متحد شماست. بیخیزید و با یک حرکت متحد و هماهنگ علیه هرگونه اقدام رژیم برای برپائی و تشکیل این ارگانه های ضد کارگری دست به مبارزه بزنید.

رژیم جمهوری اسلامی که طی همین هفت سال بیشترین فشار و استثمار را بر شما روا داشته است، با غارت و چپاول بی حد و حصر، بر پایه جنگ ارتجاعی کسوفی و تشدید استثمار کارگران جز فقر و گرسنگی بیشتر چیزی به ارمان نیاورده است. رژیم علیرغم اعمال فقر وسیع روزی، علیرغم تشدید هرچه بیشتر استثمار، سیاستهای ترور و خفقان پلیسی و بیشترین فشار سرکوب را برای مانع شدن از اعتراضات شما اعمال داشته است. تشکیل شوراهای اسلامی کار و بدنحال آن اجرای قانون کار فوق ارتجاعی جدید، سازمان یافته ترین بورژوازی رژیم جمهوری اسلامی علیه شما و مبارزات شماست! بیخیزید و این اقدام ضد کارگری را با شکست کامل مواجه کنید!

کارگران مبارز ایران!

فراوان نشنیده سرمایه داران، عوامل مزدور و دست نشاندهان هزار تنگ خود را به هر لباس و مسلکی بی آراندید، فراموش نکنید که حزب توده و اکثریت علیرغم ظاهر مخالفت جویی علیه حکومت، همانطور که تاکنون نشان داده اند، هم اکنون نیز جز خدمت به سرمایه داران و جز به انحراف کشیدن مبارزات شما، هیچ رسالت دیگری برای خود قائل نیستند. توده ایها و اکثریتها امروز هم که حتی خود سران جمهوری اسلامی در عریان ترین شکل، سرکوب شما را در کارگری شوراهای اسلامی کار اعتراف میکنند، برای آنکه شما را بفریبند، شوراهای اسلامی کار را با یک دست بی میزنند و با دست دیگر پیش میکشند! توده ایها و اکثریتها امروز که همه کارگران ما هیت ارتجاعی انجمن ها و شوراهای اسلامی کارخانه را بخوبی شناخته اند، با قانون شوراهای اسلامی کار در ظاهر مخالفت میورزند، اما در باطن خود آن را تأیید می کنند. آنها میگویند: چه بسا مبارزات جاری کارگران حتی موجب انحلال انجمن ها و شوراهای اسلامی کارخانه ها شود، اما وظیفه کارگران تحریم و انحلال این شوراهای نیست.

رفقای کارگر!

فراوان نشنید که مبارزه با سرمایه داران و حاکمیت نظام بوسیده سرمایه داری، جز از طریق افشا و طرد بیامان ایوروئوسم و سازتکاری به جزوری نخواهد رسید. بی با برپائی کمیته های کارخانه، ستاب سنگ بنای شوراهای واقعی خود، و با تحریم و جلوگیری از تشکیل شوراهای اسلامی کار در تنها رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کنید، بلکه پایه کویان و ایوروئوسمهای سازتکار را نیز از صفوف خود دور و منزوی نمایند.

بیروز باد مبارزه متحد و یکپارچه کارگران
زنداده سوسال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
بازدم شهروما ۱۳۶۴

۴۰ ساعت کار، دوزخ تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

یاد فدائی کبیر رفیق اسکندر

از صفحه ۲۲

خستگی ناپذیرشان در صفوف فشرده سازمان نخواهد بود. آری! رفیق اسکندر عضو کادر مرکزی ویکی از فرماندهان مجرب و بی نظیر بخش نظامی تشکیلات، در ۱۳ مهر ماه سال ۶۰، به همراه دو همسرز خود، رفقا سعید بسری و حمید صفری، حین یک مأموریت در شهرهای شمالی ایران طی یک نبرد حماسه آفرین و غرور انگیز تا آخرین گلوله با مزدوران سرمایه جنگیدند و سرانجام شجاعانه جان باختند.

رفیق اسکندر با خصوصیات برجسته پروتئری استعدادهای سرشار و قابلیت های رزمی بی نظیر تجسم راستین ارزشهای شورانگیز سازمان بود. او مبارزه اش را با عمل انقلابی آغاز کرده و در دوران سخت مبارزه آیدیده و صیقل خورده بود. جوهر بارود وجود اسکندر و پرورش انقلابی آن او را در تمامی دوران زندگی مبارزاتی اش بعنوان یک کادر برجسته سازمان، از ورزیدگی خاصی برخوردار ساخته بود. رفیق اسکندر در هر شرایطی، چه در دوران دیکتاتوری و رشود جنبش و چه در دوران رونق جنبش انقلابی، با درایتی شگرف و نبوغ سازمانگری خود بسیار مشکلات سازمان را به سزای دشمن می کشید. و از همین رو بود که بعد از سالها نبرد بی امان هنگامی که اسکندر شهید شد، وجود یک کادر مجرب نظیر او برای سازمان ما از الزامات عینی حرکت به شمار می رفت و جبران فقدان آن چه بسا بسیار مشکل!

اسکندر در آغاز جوانی با نخستین شگفته های بیبنداری آگاهی طبقاتی پای در میدان مبارزه گذارد و در پیش رکن اعظمی لرستانی برای رهائی کارگران و زحمتکشان از ستم و استثمار سرمایه داری سلاح بر دوش گرفت. پس از پیوستن به سازمان با

قابلیت های بی نظیر خود توانست در جایگاه آرزنده ای قرار بگیرد. تفکر ریا و خلاق، وفاداری عمیق به آرمان پرولتاریا، یافتن ابزارهای مناسب برای حرکت و عشق به سازمان داشتن اراده و عزم جزم و سرانجام درهم آمیختن آگاهی طبقاتی با شور و عصل، دقیقاً انعکاس بیرونی این ویژگیها بود که شخصیت کمونیستی رفیق اسکندر را نمایان می ساخت و او را در شمار زنده ترین عناصر سازمان و پیشتر قرولان نبرد طبقاتی درونی جامعه قرار می داد. به واقع اسکندر محصول عینی شرایط مبارزاتی و پرورش یافتگی عنصر پیشتاز انقلاب، در بطن تحولات درونی مبارزه طبقاتی بود.

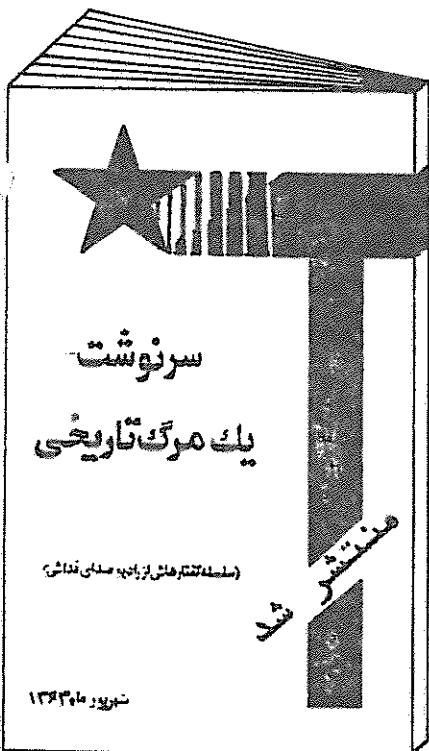
همرزنی با رهبر کبیر سازمان رفیق حمید اشرف نقش بسزایی در ارتقاء توانائی های رفیق اسکندر داشت. اسکندر با کسب خصوصیات رهبر کبیران، دارای شخصیتی نمونه، متفقد و با اتوریته بود. رفیق مظهر صداقت، صمیمیت، شجاعت فروتنی انقلابی، بی باکی، هوشیاری و خونمردی یک کمونیست بود.

استواری و ثبات تقدم رفیق اسکندر در مواجهه با معضلات تشکیلات بعنوان یک خصوصیات بارز و یک الگوی دوخشان او راز سرسختی زایدالوصفی برخوردار نموده بود. تلاش پرشوره مداوم و بی وقفه رفیق برای پرورش و ارتقاء رفقای تحت مسئولیتش بیانگر احساس مسئولیت شدید رفیق در قبال جنبش و سازمان بود. رفیق با قابلیت های رزمی بی نظیر خود همواره نقش مهم و مسئولیتی سنگین را در سازمان بعهده داشت. طی ده سال نبرد خونین و آتشین با شرکت در دهها عملیات نظامی و فرماندهی موفقیت آمیز آنها به کادری برجسته در سازمان تبدیل شد. حمله مسلحانه به قرارگاه شماره ۲ پلیس تهران پیش از قیام، حمله به کلاتری تبریزه آنها، حمله به پاسگاه لاهیجان حمله مسلحانه به پاسگاه رودسر به حمایت از دهقانان منطقه، اعدام انقلابی سرهنگ مزدور زمانی پور در مشهد از جمله عملیاتی است که رفیق طی حکومت ننگین پهلوی

فرماندهی آنها را بعهده داشت. پس از قیام نیز در حلقه به متون نظامی دشمن در دارسوسن شرکت فعال و موثری داشت.

پس از انشعاب رفرمیستهای اکثریتی بعنوان مسئول نظامی تشکیلات در کردستان پیش از شش ماه دوشادوش خلق کسوف علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جنگید. رفیق اسکندر با سازماندهی تشکیلات نظامی منطقه، با شرکت در عملیات مختلف بر علیه مزدوران رژیم و با سازماندهی جوله های سیاسی - نظامی نقش بسزایی در زدودن نقش مخرب اکثریتی های خائن از ذهن زحمتکشان کرد، ایفا کرد. سرانجام در آخرین مأموریت سازمانی خود طی یک درگیری نابرابر با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، در راه تحقق اهداف پرولتاریا جان باخت.

در چهارمین سالگشت شهادت دروغ انگیز رفیق اسکندر بار دیگر بر آرمانهای والای رفیق پای نهاده و خصوصیات کمونیستی بارز او را الهام بخش مبارزات خود در تداوم راه رهائی کارگران و زحمتکشان که همانا راه سخن فدائی است بازم.



جاودان یاد خاطره همه شهادت ای بخون خفته خلق

گراهی باد خاطره فدائی شهید رفیق محمد کسنزانی (حمله کس)

از صفحه ۲۲

تحت فرماندهی او از جاده بانه - سقز می گذشتند، به کمین سرکبزرگان مزدور رژیم افتاده و رفیق محمد کسنزانی (حمله کس) طی یک درگیری نابرابر، جان خویش را فدای آرمان صرخ کارگران نمود.

اگرچه حمله کس از میان ما رفت و جای خالی او محسوس بوده و هست، اما تداعی خاطره های حماسی او با تمامی رزمندگی و استواریش، همراه با فداکاری و صداقت انقلابیش، در صفوف همسران او زنده و یا برجا خواهد ماند.

یادش گرامی
و راهش پر رهرو باد!



گراهی باد خاطره فدائی شهید رفیق

مصطفی رسولی



توده ها و یا مسائل و مشکلات پیشبرد امور مبارزاتی، برای همیشه و بعنوان سرمضقی در یاد رفقای او خواهد ماند.

رفیق مصطفی، مدافع خستگی ناپذیر و بیگیر آرمان طبقه کارگر، در تاریخ نهم مهر ماه ۱۳۳۲ طی یک درگیری نابرابر و رویارویی در محور جاده سقز - بانه قلب صرخش آماج گلوله های مزدوران قرار گرفت و از طیش باز ایستاد.

یادش گرامی باد!

شهید مصطفی رسولی، یکی از ارزنده ترین رفقای ما و جنبش انقلابی خلق کرد بود. او علاوه بر جسارت و بی باکی و قابلیت های نظامی، از خصوصیات ارزشمند یک کادر توده ای برخوردار بود. عشق و علاقه او به توده ها، و تاثیرات برخورد های صمیمی و آگاهانه او بر آنان، که از ایمان راسخ او به قدرت لایزال توده ها سرچشمه می گرفت، موجب آن بود که در میان توده ها از محبوبیت ویژه ای برخوردار شود. این خصوصیت برجسته شهید مصطفی، که با ایمان کمونیستی و انضباط تشکیلاتی او درهم می آمیخت، او را به رفیقی کاربدان و قابل اتکا بدل می ساخت.

رفیق مصطفی هر چند که در سازمان ما عمری کوتاه داشت، اما خاطرات فراوانش نشانه ای او در تداعی زمینه ها، اعم از برخورد به

غنائم بدست آمده

۱۷۴	جنگ افزار انفرادی
۳۳۲	انواع تارنجه
۷	بسی سیم
۴۲۹۶۰	انواع فشنگ
۷۴۴	خشاب
۲۵	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۷۴	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۱۹	بیمبستن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۶۰۸	کشته و زخمی
۹۳	اسرای دشمن
۵۶	خودرو ضهدم یا معادله شده
۱	سلاحهای ضهدم شده
۳۳	مهمات ضهدم شده

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

۲۷ شهریور تا ۲۷ مهر

عملیات پیشمرگه

۲۳	کمین و کنترل جاده
۱۵	مین گذاری
۳۵	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۰	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۳	خلع سلاح پایگاه
۸	صادر و انهدام تاسیسات
۳۵	حمله به پایگاهها
۱۲۹	جمع

۳۴	شهید ای پیشمرگه
۴۶	شهید ای اهالی بسی دفاع

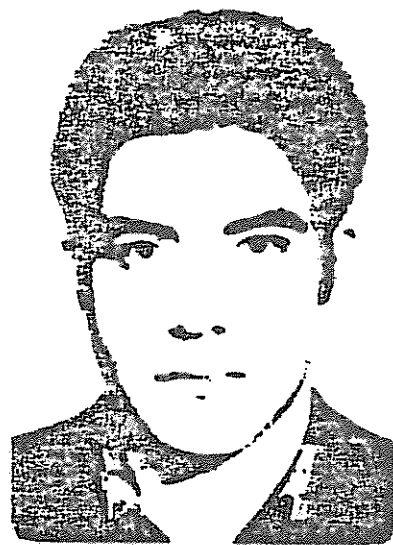
آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادپوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

سهرکه و نوبی پرونده وهی شورشگیراندهی گهلی گورد

یاد فدائی کبیر

رفیق اسکندر (سیامک اسدیان)

گرامی باد!



چهار ساله از شهادت فدائی خلق، رفیق کبیر سیامک اسدیان (اسکندر)، فرزنده بخون تپیده، کارگران و زحمتکشان می گذرد. مهر ماه سال یکهزار و سیصد و شصت، هنگامیکه خبر نبرد حماسی، رفقای فدائی اسکندر و همزمانش تندر اساء در اینسو و آنسو پیچیدند هیچکس نمی توانست باور کند اسکندر به شهادت رسیده است! خبر سنگین بود. همه کسانی که او را می شناختند و با او در یک سنگر مبارزه کرده بودند هرگز نمی توانستند گمان برند که دیگر رفیق ارزنده، فدائیکار و در صفحه ۲۰

پرخشی ملاحظیات

راه کارگر:

باز هم اکنون میسوم، باز هم ایورتونیسوم!

این روزها دیگر راه کارگر با هر گامی که برمی دارد و بیاید هر گامی که در دفاع از مواضع اکونومیستی خود بیان می کند هر چه بیشتر به شیوه های مذموم ایورتونیسیتی پناه می برد، بیشتر به ورطه بی برسی در غلطیده چهره اسلاف خود را تمام عیار به نمایش می گذارد. تازه ترین ارضان این جریان در کردستان، دفاعیاتی است که طی دو شماره ۲۴ و ۲۵ ریگای کریکار بیواسون مواضع راه کارگر در حال مسئله ملی و مسائل مردم جنبش انقلابی خلق کرد به چاپ رسیده است.

در این نوشته ها راه کارگر میراث های شوم اسلاف رفرمیت خود همچون حزب توده و امثالهم را یکبار دیگر زنده کرده، هر ترغیب بورژوازی ممکن را بکار گرفته است تا از اصل موضوع طفره رود. راه کارگر کوشیده است تا با تخطئه طرف مقابل از طریق تحریف حقایق حتی با استفاده از روشهای غیر سیاسی خاص را مکاران به تیرته دنباله روی خود از حوادث در صفحه ۱۷

اخباری از جنبش توده ای

صفحه ۱۲

رادیو
صدای فدائی
مواقع کوردستانهای ۶۵ و ۶۷ متر
ساعات ۸،۵ بعد از ظهر
۱۲،۵ روز بعد

خلق کرد پیروز است
جدول یک ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد
از ۲۷ شهریور تا ۲۷ مهر
صفحه ۲۱

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق

محمد کسنزانی (حمله کس)



بی نظیری که داشت، نامش، بعنوان یکی از فرماندهان برجسته و جسور در میان همزمانی و در تاریخ مبارزات خونین سازمان در کردستان به ثبت رسید.

دو سال پیش و در شانگه یانزد هم مهرماه ۶۲، هنگامی که یک دسته از پیشمرگان فدائی در صفحه ۲۱

قهرمان خلق کرد بود. او در پروسه فعالیت مجدانه و انقلابی خود، در کیتبه دهقانی سازمان، خاطره هایی فراموش نشدنی از تلاش شبانه روزی ویی وقته خود پر جای گذاشت. همه که در مقابل یورش های نظامی رژیم حماسه ها آفرید و بی شجاعت و فدائیکاری

رفیق محمد کسنزانی، یکی از برجسته ترین فرماندهان نظامی سازمان، فرزنده دلیر خلق کرد و پیشمرگی قهرمان و آگاه بود و زندگی اش سرشار از عشق به توده ها و کین و نفرت نسبت به دشمنان خلق بود. شهید حه که کس رفیقی شجاع و قداکار و چهره انسانی زحمتکشان و پیشمرگان